

## در راه تکمیل آرشیو

شمه ای در معرفی

### سازمان پیکار در راه آزادی طبقه کارگر

در ابتدا، به عنوان مقدمه ای ضروری به ذکر خلاصه ای از ریشه های تاریخی این سازمان در سازمان مجاهدین خلق ایران (تا سال ۵۴) و «بخش مارکسیستی - لنینیستی» آن که پس از تحولات ایدئولوژیک درونی این تشکل به وجود آمد و به «بخش منشعب از سازمان مجاهدین» معروف شد (۱۳۵۴ تا ۵۷) می پردازیم:

#### سازمان مجاهدین خلق ایران در سال ۱۳۴۴ با اعتقاد به ضرورت مبارزه با رژیم شاه و تحلیل

از ماهیت ارتجاعی و استبدادی و وابسته به امپریالیسم رژیم ایران شکل گرفت. این سازمان با بینشی عموماً ترقی خواهانه و ضد امپریالیستی قدرت های منطقه ای و جهانی را تحلیل می کرد، ایدئولوژی اسلامی را که اعضای سازمان عموماً بدان پایبند بودند، بنا به ضرورت های مبارزاتی با علم گرائی و راسیونالیسم تلفیق کرد و رفرمیسم جبهه ملی و نهضت آزادی و حزب توده را نقد نمود و به مبارزه انقلابی مخفی و سرنگونی مسلحانه رژیم روی آورد و به تدریج و بر اساس نیاز پراتیک مبارزاتی خود، با برخی از اندیشه های مارکسیستی نیز آشنا شد. اعتقاد به نوعی تکامل مادی تاریخ و مبارزه اجتماعی بر اساس مبارزه طبقاتی یکی از مبانی نظری این سازمان بود و می کوشید آن را با توحید و رسالت پیامبران انطباق دهد. این سازمان از سال ۱۳۴۸ به آموزش و تدارک نظامی پرداخته و ده ها تن از عناصرش در پایگاه های فلسطینی آموزش دیدند و هنگامی که واقعه مهم سیاهکل رخ داد (۱۹ بهمن ۱۳۴۹ / ۸ فوریه ۱۹۷۱)، سازمان مجاهدین در آستانه اقدام به عملیات مسلحانه شهری و برنامه ریزی شده خود (همزمان با جشن های مربوط به ۲۵۰۰ سال پادشاهی در ایران) بود ولی با حمله پلیس سیاسی رژیم (ساواک) مواجه گردید و بیش از ۱۰۰ نفر از مسؤولین و اعضاء و هواداران آن دستگیر شدند (از اول شهریور ۱۳۵۰ / ۲۳ اوت ۱۹۷۱ به بعد). با وجود این، و علیرغم شکست طرح ربودن و به گروگان گرفتن شهرام شفیق، پسر اشرف خواهر شاه به منظور نجات دستگیر شدگان، سازمان مجاهدین خلق ایران عملیات مسلحانه خود را شروع کرد (دی ماه ۱۳۵۰) و طی بیانیه ای در ۲۰ بهمن ۱۳۵۰ نام و هویت سیاسی - ایدئولوژیک خود را اعلام کرد. به رغم محاکمه دستگیر شدگان و اعدام مسؤولین اولیه سازمان (محمد حنیف نژاد، سعید محسن، اصغر بدیع زادگان، علی باکری و ...) و کشته شدن عده ای دیگر در درگیری های مسلحانه، فعالیت این سازمان ادامه یافت. از فعالیت های بیرونی این سازمان در آن سال ها، می توان به عملیات انفجاری متعدد عمده در تهران علیه مؤسسات پلیسی و ارتشی رژیم شاه و مؤسسات آمریکایی و اسرائیلی، اقدام به ترور ژنرال **هارولد پرایس** آمریکایی - که به شدت مجروح شد - در اعتراض به جنگ ویتنام و وابستگی ایران به آمریکا در روز ورود نیکسون به ایران (۱۱ خرداد ۵۱)، ترور **سرتیپ سعید طاهری** از کمیته مشترک ضد خرابکاری (۲۲ مرداد ۵۱)، ترور معاون اداره مستشاری آمریکا به نام **سرهنک لوئیس هاوکینز** (۱۲ خرداد ۵۲) و ترور **سرتیپ رضا زندی پور** رئیس کمیته مشترک ساواک و شهربانی (۲۶ اسفند ۵۳) و نیز اعلامیه های سیاسی - نظامی و افشاگرانه و چند کتاب سیاسی و ایدئولوژیک و مدافعات مسؤولین و کادرهای سازمان (که عموماً در همان سال ها در ایران مخفیانه تکثیر و در خارج چاپ شد) و بالاخره بسیج مؤثر خانواده ها علیه رژیم در آن اوضاع بسیار خفقان زده و تبلیغ و افشاگری رادیویی از خارج کشور و پخش شبنامه ها اشاره کرد. چهره های بارز این دوره در داخل کشور و بیرون زندان عبارت اند از احمد رضائی، رضا رضائی، مجید شریف واقفی، کاظم ذوالانوار، محمود شامخی، بهرام آرام، تقی شهرام، علیرضا سپاسی و ...

## سازمان مجاهدین خلق ایران (مارکسیست - لنینیست، معروف به بخش

**منشعب):** در سال ۱۳۵۴ اغلب اعضای رهبری و عناصر فعال سازمان، پس از بررسی مواضع سیاسی - ایدئولوژیک و عملکردهای چند ساله خود به این نتیجه رسیدند که دوگانگی (التقاط بین اسلام و مارکسیسم) در ایدئولوژی سازمان باید به نفع پذیرش مارکسیسم - لنینیسم و کنار گذاردن ایده مذهبی از سازمان حل شود. این تغییر ایدئولوژی که بحث و تحقق آن دو سال (از ۱۳۵۲ تا ۵۴) طول کشید، منجر به «انشعابی» در این سازمان شد. (این اقدام که برخی از ابعاد آن سه سال بعد در خود سازمان مورد انتقاد قرار گرفت، انشعابی دموکراتیک نبود. همچنین کسانی که تغییر ایدئولوژی را نپذیرفته بودند حقشان زیر پا گذارده شد بطوری که تا زمان انقلاب ۱۳۵۷ عملاً تشکیلاتی نداشتند). در جریان اختلافات داخلی مربوط به این «انشعاب»، یکی از اعضای رهبری به نام مجید شریف واقفی کشته شد و عده ای نیز به دلایلی که باز در داخل سازمان مورد انتقاد قرار گرفت تصفیه و اخراج شدند. نام رسمی سازمان، با اینکه ایدئولوژی اش تغییر کرده بود، همان باقی ماند ولی به عنوان «مجاهدین مارکسیست» یا «بخش منشعب» شهرت یافت. پس از تغییر ایدئولوژی، طی کتابی تحت عنوان «بیانیه اعلام مواضع ایدئولوژیک سازمان مجاهدین خلق ایران» - مهر ماه ۱۳۵۴ - به نقد ایدئولوژی ملی - مذهبی و پایگاه اجتماعی نهضت آزادی و نیز نقد ایدئولوژی مذهبی سازمان مجاهدین پرداخت و با حزب توده و خط مشی سیاسی - ایدئولوژیک شوروی از خروشچف به بعد نیز مرزبندی شد. سازمان به فعالیت های سیاسی - نظامی خود ادامه داد. عملیات سیاسی - نظامی این سازمان در ابتدا همان اهداف پیشین و تبلیغ مسلحانه را دنبال می کرد. اما به تدریج، گرایش مشخص «حمایت از مبارزات کارگری و توده های ستم دیده» را پیدا کرد. همین گرایش است که در فرایند تجربه عملی و بررسی نتایج عملیات مسلحانه روی مبارزه کارگران و زحمتکشان و واکنش آن ها، و نیز استفاده از مبارزه ایدئولوژیک گروه های خارج از کشور در مخالفت با مشی چریکی، به نقد و نفی مشی مسلحانه جدا از توده منجر شد (یکی از اسناد مبارزه ایدئولوژیک علیه مشی چریکی، جزوه ای ست تحت عنوان «دوآلیسم سیاسی» نوشته حسین روحانی). سرانجام در اسفند ۵۶ بود که رسماً این التقاط سیاسی را نیز به دنبال نقد و نفی التقاط ایدئولوژیک پیشین کنار گذارد و بر مبارزات کارگری و جنگ درازمدت توده ای پای فشرد. باری، از عملیات مسلحانه این سازمان می توان به انفجارهای متعدد علیه مؤسسات امپریالیستی آمریکایی و اسرائیلی و همچنین به ترور دو مستشار نظامی آمریکایی به نام های **سرهنگ شفر** و **سرهنگ دوم ترنر** (۳۱ اردیبهشت ۱۳۵۴)، ترور سه مستشار آمریکایی نیروی هوایی به نام های **سرهنگ ویلیام کاترل**، **رابرت کرونگارد** و **دونالد اسمیت** (۶ شهریور ۱۳۵۵) و نیز عملیاتی که به عنوان پشتیبانی از مبارزات و اعتصابات و خواست های کارگران و زحمتکشان (به ویژه در رابطه با جنبش خانه سازی در خارج از محدوده) یا به حمایت از مبارزات خلق های ویتنام، فلسطین و ظفار (عمان) انجام می شده، اشاره کرد. تألیف و انتشار چندین کتاب: سیاسی مانند «ظهور امپریالیسم ایران و تحلیلی از روابط ایران و عراق»، اقتصادی مانند «احتضار امپراتوری دلار» و در باره سیستم های تشکیلاتی مخفی مانند «سازماندهی و تاکتیک ها»، نشریه تحلیلی و تئوریک «قیام کارگر» و کتاب «مسائل حاد جنبش ما» نیز از اقدامات آن سال هاست. علاوه بر این ها تبلیغات رادیویی و پخش شبنامه ها و نیز پیوند سیاسی و عملی با جنبش های انقلابی منطقه (به ویژه فلسطین و ظفار) و با دانشجویان ایرانی متشکل در کنفدراسیون جهانی گسترش یافت. چهره های بارز این دوره در داخل کشور و بیرون از زندان عبارت اند از بهرام آرام، تقی شهرام، جواد قائد، علیرضا سپاسی، فاطمه میرزا جعفر، بهجت مهرآبادی، منیژه افتخاری، جمال شریف زاده شیرازی، محمد یزدانیان ...

## از شهدای سازمان مجاهدین خلق ایران (م.ل.)

- |                          |                            |                           |
|--------------------------|----------------------------|---------------------------|
| ۱- محمد رضا آخوندی       | ۲- بهرام آرام              | ۳- مصطفی آفریده           |
| ۴- حسن آلاپوش            | ۵- منیژه اشرف زاده کرمانی  | ۶- منیژه افتخاری          |
| ۷- رفعت افراز            | ۸- محبوبه افراز            | ۹- عبدالله امینی          |
| ۱۰- هایده (حوری) بازرگان | ۱۱- حسن باقری              | ۱۲- محسن بطحائی           |
| ۱۳- رضا تفکری            | ۱۴- فاطمه تیفتکچی          | ۱۵- سیمین تاج جریری       |
| ۱۶- احد جلالی گوار       | ۱۷- جواد چایچی عطری        | ۱۸- محمد حاج شفیعی ها     |
| ۱۹- محسن خاموشی          | ۲۰- مرتضی خاموشی (اسماعیل) | ۲۱- ابراهیم داور          |
| ۲۲- محمد طاهر رحیمی      | ۲۳- صدیقه رضائی            | ۲۴- لیلا زمردیان          |
| ۲۵- حسن سبحان الهی       | ۲۶- جمال شریف زاده شیرازی  | ۲۷- غلامحسین صاحب اختیاری |
| ۲۸- احمد صادقی قهاره     | ۲۹- اکرم صادق پور          | ۳۰- ساسان صمیمی بهبهانی   |
| ۳۱- مهدی فتحی            | ۳۲- فاطمه فرتوک زاده       | ۳۳- هادی فرجاد پزشک       |
| ۳۴- صادق فرد نقوی        | ۳۵- علی اکبر قائمی         | ۳۶- نرگس قجر عضدانلو      |
| ۳۷- مرتضی لباف نژاد      | ۳۸- محبوبه متحدین          | ۳۹- حوریه محسنیان         |
| ۴۰- سید مهدی موسوی قمی   | ۴۱- عبدالرضا منیری جاوید   | ۴۲- فاطمه میرزا جعفر علاف |
| ۴۳- هاشم وثیق پور        | ...                        |                           |

شرح حال و بزرگداشت شهدای فوق در شماره های مختلف پیکار آمده است.

در همین ردیف از چند شهید دیگر یاد می کنیم که پس از پایان دوره مجاهدین (م.ل.) در پاییز ۱۳۵۷، به صورت مستقل یا وابسته به گروه «آرمان طبقه کارگر» یا «نبرد» یا گروه های دیگر فعالیت می کردند و در دوره جمهوری اسلامی کشته شدند:

- باقر عباسی شهادت در ۱۳۵۱، نخستین مجاهدی که در زندان مکرر اعلام کرد که مارکسیست است.
- محمد تقی شهرام که در تیر ۱۳۵۸ دستگیر شد و پس از موضع گیری های شجاعانه ای در زندان و در دادگاه، در مرداد ۱۳۵۹ اعدام گردید.
- محمد یزدانیان (ایوب) از گروه آرمان ...
- عباس پاک ایمان (کریم) از گروه آرمان ...
- مهدی فیروزکوهی [که در تبعید به بیماری سرطان درگذشت] از گروه آرمان ...
- جواد قائدی (احمد مرکزیت) از گروه آرمان ...
- محمد علی عالم زاده و همسرش طاهره آقاچانی مقدم در ۳۱ خرداد ۱۳۶۰، از گروه نبرد ...
- عفت خواجه زارع که با یک گروه کارگری فعالیت می کرد و در سال ۱۳۶۰ دستگیر و اعدام شد.
- و یا شهرام محمدیان (جواد، مشاور مرکزیت پیکار) که پس از خاموشی این سازمان، در جریان تماس و مذاکره برای پیوستن به اتحاد مبارزان کمونیست (سهند) و رفت و آمد به کردستان دستگیر و در سال ۱۳۶۱ اعدام شد.

و یا لادن بیانی که پس از کنگره دوم سازمان پیکار در مرداد ۵۹ همراه با چند تن دیگر از سازمان انشعاب کردند. لادن همراه با «ایوب» (نام مستعار) - که چندی مسئول پیکار تبریز بود - در سال ۶۰ دستگیر و در ۷ شهریور ۶۰ اعدام گردید.

و ...

## سازمان پیکار در راه آزادی طبقه کارگر:

نظرات و عملکرد سازمان مجاهدین م. ل. از سال ۵۲ تا ۵۷، در تابستان ۱۳۵۷ مورد بررسی شورائی از نمایندگان واحدهای پایه سازمان با حضور مرکزیت قرار گرفت و در جمع بندی انتقادات و درس هایی که از این دوره گرفته شد، اقدامات خشونت آمیزی که طی قریب ۵ سال، در جریان تغییر ایدئولوژی سازمان و پس از آن در رابطه با اعضاء انجام شده و نیز رفتاری که در روابط با دیگر سازمان های مبارز جنبش (از جمله سازمان چریک های فدائی خلق) رخ داده بود مورد انتقاد قرار گرفت و از چند تن از اعضای سازمان که جانشان را در نتیجه این برخوردها از دست داده بودند اعاده حیثیت گردید و شورا آنان را شهدای جنبش انقلابی خواند. کنار گذاشتن مشی مسلحانه جدا از توده چریکی مورد تاکید قرار گرفت و رهبری نیز که در رأس آن محمد تقی شهرام قرار داشت تغییر یافت. شورای مزبور طی بیانیه ای مورخ مهرماه ۱۳۵۷ درک و خط مشی خود را ارائه داد که به مهم ترین آن ها اشاره (و به طور عمده عیناً از همین بیانیه نقل) می کنیم:

- نقد و نفی مشی مسلحانه پیشتاز: «آنچه به خصوص مورد تأکید ما در این مشی است مبانی ایدئولوژیکی و بینشی و تفکر اساساً غیر توده ای ست که در ذات مشی چریکی و در مبارزه مسلحانه پیشتاز نهفته است. از آنجا که [این مشی] به توده ها و مبارزات آنان بهائی نمی دهد و سعی در تحمیل مبارزه عده ای روشنفکر جدا از توده بر مبارزه طبقاتی توده ها دارد، از آنجا که عملاً به رد و نفی کار سیاسی و توده ای در میان پرولتاریا و عدم ارتقاء، تشکل و هدایت مبارزه آنان می انجامد و با جانشین ساختن سازمان روشنفکران جدا از توده به جای سازمان و حزب پرولتری، پرولتاریا را از داشتن حزب سیاسی مستقل خود محروم کرده و هژمونی این طبقه را در انقلاب دموکراتیک تأمین نمی نماید، یک مشی انحرافی و غیر پرولتری ست...».

- انتقاد به شیوه تغییر و تحولات درونی سازمان در سال های ۵۴-۱۳۵۲: «تحولات ایدئولوژیکی ای که طی دو سال مبارزه درون تشکیلاتی در سازمان ما صورت گرفت، علیرغم جنبه های مترقیانه و تکاملی آن و علیرغم آنکه جریان مارکسیستی، بخش پیشرفته و تکامل یافته سازمان مجاهدین خلق ایران بود، از انحرافات اساسی برکنار نبود. پایه تئوریک این انحرافات را باید در عدم درک واقعی مارکسیسم لنینیسم از طرف سازمان (و در رأس آن، رهبری که پرچمدار این تحول بود) دانست... با توجه به موارد فوق الذکر، ما اطلاق نام «سازمان مجاهدین خلق ایران» را به جریان مارکسیستی که فقط بخشی از آن را تشکیل می داده است نادرست دانسته و در همین رابطه تا روشن شدن نام سازمان، فعالیت های ما با هویت «بخش مارکسیستی - لنینیستی سازمان مجاهدین خلق ایران» که به نظر ما با واقعیت امر انطباق دارد، صورت خواهد گرفت...».

- درک از مرحله انقلاب: «انقلاب ما در این مرحله، انقلابی ست ملی و دموکراتیک که با توجه به خصلت ضد انقلابی بورژوازی در عصر امپریالیسم و دوران احتضار و گندیدگی سرمایه داری، رهبری پرولتاریا بر این انقلاب امری ضروری و اجتناب ناپذیر است. این انقلاب باید به برقراری جمهوری دموکراتیک خلق بینجامد.

- این اعلامیه با سوسیال امپریالیسم شوروی و تئوری سه جهان (چین) و رویزیونیسم حزب توده مرزبندی می کند و وظیفه اصلی و محوری مارکسیست - لنینیست ها و مضمون فعالیت آن ها در میان طبقه کارگر را چنین اعلام می کند: «سازمان ما اصلی ترین وظیفه ... را در شرایط فعلی، مبارزه برای ایجاد حزب طراز نوین و انقلابی طبقه کارگر، حزب کمونیست ایران، می داند و مسأله وحدت مارکسیست لنینیست ها را در ارتباط با طبقه کارگر، از جمله مسائل مبرم و حیاتی جنبش کمونیستی [تلقی می کند]...».

اکثریت شورای مزبور و بدنه اصلی سازمان در تشکیلی باقی ماندند که نام خود را سازمان پیکار در راه آزادی طبقه کارگر اعلام کرد. اما دو جمع کوچک یکی نبرد برای آزادی طبقه کارگر و دیگری اتحاد در راه آزادی طبقه کارگر از نظر تشکیلاتی راهی جداگانه پیش گرفتند. باید گفت که اختلاف این دو گروه با یکدیگر و هر دو با پیکار، عموماً اختلافات اصولی و تئوریک نبوده، بیشتر جنبه تاکتیکی داشت.

**موضع گیری های سازمان پیکار در راه آزادی طبقه کارگر از ابتدای امر چه در مخالفت با**  
روی کار آمدن جمهوری اسلامی و چه در دفاع از تئوری مارکسیسم لنینیسم، مبارزه با حزب توده و افشای ماهیت اتحاد شوروی و رویزیونیسم و نیز مبارزه نظری با سازمان چریک های فدائی خلق و سازمان های دیگر، باعث شد که پیکار به عنوان یکی از چپ ترین جناح های جنبش کمونیستی ایران شناخته شود. سازمان پیکار در ابتدای روی کار آمدن رژیم جمهوری اسلامی معتقد بود که یک قدرت دوگانه بر سر کار است یعنی ترکیبی از بورژوازی لیبرال به رهبری مهدی بازرگان، و خرده بورژوازی به رهبری خمینی ست و برخورد دوگانه ای می طلبد. با توجه به سطح تکامل جنبش در آن زمان و نقاط قوت و ضعف نیروهای چپ، چه به طور کلی و چه به طور مشخص، می توان گواهی داد که پیکار هیچ وقت به حمایت از رژیم نپرداخت و به جمهوری اسلامی رأی نداد، اما در انتخابات مجلس خبرگان (برای تدوین قانون اساسی) شرکت کرد و همراه با چندین سازمان و گروه مشابه که در «کنفرانس وحدت» گرد آمده بودند سه کاندیدامعرفی کرد. حادثه اشغال سفارت آمریکا توسط دانشجویان طرفدار خمینی را از ابتدا با تردید نگریست و هرگز آن را تأیید نکرد. در اسفند ۱۳۵۸ از تهران و چند شهرستان برای انتخابات مجلس شورای ملی کاندیدا معرفی کرد (پیکار شماره ۴۸). جنگ ایران و عراق را که در پاییز ۵۹ شروع شد به ضرر توده های دو کشور و جنگی ارتجاعی بین دو رژیم ارتجاعی ارزیابی کرد و آن را تحریم نمود (ضمیمه پیکار ۷۳، دوم مهر ۱۳۵۹) و در تبلیغ علیه جنگ کوشید و تعدادی از اعضایش به همین دلیل اعدام شدند. ارگان سیاسی - تبلیغی این سازمان هفته نامه پیکار بود که از اردیبهشت ۵۸ تا آذر ۱۳۶۰، تعداد ۱۲۷ شماره از آن انتشار یافت. نشریات متعدد محلی «پیکار کردستان»، «پیکار خوزستان» و ... نشریات ویژه کارخانه ها (از جمله پیکان در ایران ناسیونال، نفتگر در شرکت نفت آبادان، صنایع خانگی و غیره)، ۱۶ آذر دانشجویی و ۱۳ آبان دانش آموزی، نشریه پیکار تئوریک و کتاب های متعدد نیز داشت. پایه اجتماعی این سازمان به طور عمده دانشجویان و روشنفکران وابسته به افشار متوسط یا فقیر جامعه و نیز از کارگران و زحمتکشان بود. این سازمان در تابستان ۱۳۶۰ هنگامی که اختلاف بین دو بخش از هیأت حاکمه یعنی حزب جمهوری اسلامی از یک طرف، و بنی صدر (رئیس جمهوری) و جریانات لیبرال از سوی دیگر شدت گرفته بود و پس از آنکه یک دوره به افشای ماهیت ضد انقلابی هر دو طرف پرداخته و «پیکار توده ها» را آلترناتیو آنان دانسته بود، از نظر تاکتیکی (و برخورد به تضادهای درون هیأت حاکمه) دچار اختلاف نظر درونی شد و سرکوب شدید خرداد ۶۰ و ماه های بعد از آن هم مجالی برای بحث و یافتن راه حل جهت اختلافات درونی که موارد متعدد دیگری را نیز شامل می شد باقی نگذاشت. در این سال صدها تن از عناصر و هواداران این سازمان دستگیر و اعدام شدند و در بهمن ماه همان سال، رهبری سازمان نیز ضربه خورد. بحران عمومی جنبش انقلابی و کمونیستی و تشتت و بحران درونی و ضربات بسیار سخت بیرونی از جمله عواملی بودند که سازمان پیکار را به خاموشی کشاند. کوشش برخی از اعضا و هواداران این سازمان برای بازسازی تشکیلات و حتی برای ایجاد محافل و جمععات خود به موفقیت نینجامید.

## کوشش و تقاضای یاری جهت فراهم کردن آرشیو و اسناد سازمان پیکار

مجموعه شماره های پیکار همراه با ضمیمه های آن (که عموماً به مبارزه آیدئولوژیک با دیگر نیروهای جنبش اختصاص یافته) و بالغ بر حدود ۳ هزار صفحه می شود در آرشیو پیکار وجود دارد که همه روی CD ضبط شده و در نظر است که پس از اتمام کار فنی و تدوین آن به صورت آلبوم، در دسترس کتابخانه ها و مراکز تحقیقی و نیز علاقه مندان قرار داده شود.

همچنین نشریات وابسته و محلی سازمان پیکار از کارگری گرفته (مانند «قانون کار انقلابی» تا نشریات کارخانه ای مثل «پیکان» و «چوکا» و «چوب بری اسالم»...) تا دانشجویی و دانش آموزی و آنچه ویژه محلات و استان ها و مسائل خلق ها منتشر می شده، و نیز طرح ها، پوسترها، سرودها (دو کاست)، کتاب ها (حدود پانزده کتاب) حتی الامکان سالم جمع آوری و مرتب شده است، با این امید که زمانی بتواند در دسترس محققان و علاقه مندان قرار گیرد.

همینجا از همه کسانی که نسبت به تاریخ مبارزاتی چند دهه اخیر ایران و زحمات و جان های پاکی که در راه آن گذاشته شده احساس مسئولیت می کنند تقاضا می کنیم با یکی از آدرس های ما (پستی یا الکترونیکی) تماس بگیرند و آرشیو را غنا بخشند.

**از مهمترین بخش های آرشیو، بخش شهدا ست.** پیش از این، در سال ۱۳۶۴/ ۱۹۸۵، کتابی تحت عنوان «از آرمانی که می جوشد» منتشر شد که نام قریب ۴۰۰ تن از شهدای سازمان پیکار را با بیش از ۱۰۰ عکس در خود داشت. علاوه بر لیست شهدا، در این کتاب، یادداشت های روزانه رفیق شهید محسن فاضل در زندان اوین نیز که حدود ۷۰ صفحه از کتاب را شامل می شد آمده بود. از آن زمان تا کنون متأسفانه به ویژه در سال ۱۳۶۷ شماری به این لیست اضافه شده، برخی نام ها و اطلاعات تصحیح و یا اطلاعاتی افزوده شده است. این اضافات نیز در دست مرتب شدن است. در این باره نیز از کلیه خانواده ها و دوستان و آشنایان شهدای سازمان پیکار تقاضا می کنیم که اگر اطلاعی، عکسی، خاطره ای از دوران زندگی این عزیزان از دست رفته، یا از تحصیل و کار و مبارزه شان در داخل سازمان یا در زندان ... دارند در اولین فرصت به آدرس ما بفرستند.

Andeesheh va Peykar  
Postfach 600132  
60331 Frankfurt  
Germany

E-Mail: [post@peykarandeesh.org](mailto:post@peykarandeesh.org)

شک نیست که آنچه به حوزه فعالیت سیاسی ما (در دهه ۵۰ و اوایل ۶۰) بر می گردد تنها جزئی از جنبش انقلابی و کمونیستی ایران است. ما می کوشیم این کار را تا آنجا که امکان داریم تکمیل کنیم ولی دامنه حافظه جمعی و خاطره جنبش انقلابی و کمونیستی بسیار گسترده تر است و سازمان ها و گروه ها و محافل و نیز منفردین پرشماری را در بر می گیرد و امیدواریم که در آینده به همت همگان این کار ضروری همگانی تحقق یابد. تنها، برای نشان دادن اهمیت جمع آوری اسناد جنبش انقلابی و کمونیستی، نمونه ای به دست می دهیم و آن

اینکه هر سال، در فرانسه خاطره کمون پاریس را که اکنون ۱۳۰ سال از آن می گذرد گرامی می دارند. بدین مناسبت لیست مبارزانی که در هر کوی و محله در این نخستین تجربه دموکراسی کارگری شرکت داشته اند، با دقت و همراه با اسناد و کتاب ها و تصویرها و خاطرات به نمایش گذاشته می شود. اضافه می کنیم که در باره جنبش کارگری فرانسه طی حدود ۱۵۰ سال گذشته دائرة المعارفی هست که در ۱۵ جلد منتشر شده است:

*Dictionnaire biographique du Mouvement ouvrier français*, Les Editions ouvrières, Paris 1964.

چنان که در آمریکا نیز یازده سال پیش، کتابی بزرگ تحت عنوان دائرة المعارف چاپ منتشر شده با این

مشخصات:

Marie Jo Buhle, Paul Buhle & Dan Georgakas:

*The Encyclopedia of the American Left*, Garland Publishing Inc. New York, 1990, 928p. 95\$.

از طرف جمع تنظیم و انتشار آرشیو سازمان پیکار:

تراب حق شناس

همزمان با بیستمین سال جنایات فراموش نشدنی رژیم و کشتار عام مبارزان در سال ۱۳۶۰

اینک لیست شهدای سازمان پیکار را تا آنجا که ما توانسته ایم گردآوری کنیم روی اینترنت در اختیار عموم می گذاریم و تقاضای کمک علاقه مندان به تصحیح و تکمیل اطلاعات و حفظ آن ها است. با تشکر.

## شهدای سازمان پیکار در راه آزادی طبقه کارگر

- ۱- غلامرضا آجری، اعدام در ۲۵ تیر ۱۳۶۴، به جرم سازماندهی يك اعتصاب در کارخانه، ۲۰ ماه در انفرادی بوده
- ۲- بهنوش آذریان ۱۳۶۰/۶/۱، تهران، تیرباران
- ۳- حسین (عبدالله) آذری فر (نام مستعار تهرانی، از فعالین دوره بخش منشعب مجاهدین م. ل.)، ۱۳۶۰/۶/۲۵، تهران، تیرباران، از بخش چاپ سازمان پیکار
- ۴- حمید رضا آرست، ۱۳۶۱/۱۲/۲۶، کارگر جوشکار، شهادت در جریان به آتش کشیده شدن زندان رشت توسط رژیم
- ۵- سید محمد آرنگ، سال ۱۳۶۰، قم، تیرباران
- ۶- یوسف آریان فر، ۱۳۶۰/۶/۱۷، قزوین، تیرباران، کارگر
- ۷- بابک آق باشلو، ۱۳۶۰/۷/۳، تبریز، تیرباران
- ۸- حسین آئینه ورزان، آبان ۱۳۶۰، تهران، تیرباران، معلم
- ۹- حسین آئینه ورزانی، ۱۳۶۱/۹/۴، شیراز، تیرباران، معلم
- ۱۰- علی آئینه ورزانی، ۱۳۶۱/۹/۴، شیراز، تیرباران
- ۱۱- نسرین آموزگار، ۱۳۶۰/۳/۲۹، کارگر کارخانه تولیدارو، در سه راه آذری (تهران) در بحث و تظاهرات موضعی شرکت داشت و توسط یکی از پاسداران کارخانه شناسائی و ترور شد.
- ۱۲- محمود (رضا) ابلاغیان، ۱۳۵۹/۱۲/۷، در جریان حمله حزب دموکرات کردستان به مقر سازمان پیکار در بوکان. پیکار برخوردها و سیاست های حزب مزبور را مورد انتقاد و افشاگری قرار می داد. دفتر پیکار در بوکان با خمپاره حزب درهم کوبیده شد. سه عضو دفتر پیکار محمود ابلاغیان، طاهر ابراهیمی و باقی خیاطی کشته شدند [ر. ک. به پیکار ۹۷، عکس دارد]
- ۱۳- طاهر ابراهیمی، ۱۳۵۹/۱۲/۷، در جریان حمله حزب دموکرات کردستان به مقر سازمان پیکار در بوکان.
- ۱۴- حمید ابراهیمی، ۱۳۶۰/۷/۱۳، همدان، دانشجو
- ۱۵- محمد رضا ابراهیمی، ۱۳۶۰/۸/۲۰، همدان، دانشجو
- ۱۶- مسعود ابوسعیدی، ۱۳۶۰/۵/۵، تهران، کارگر کتابفروشی، اهل سمنان
- ۱۷- امان الله احمدی، سال ۱۳۶۰، تبریز، تیرباران، مهندس
- ۱۸- نوروز علی احمدی، اردیبهشت ۱۳۶۲، اصفهان، سرکارگر
- ۱۹- احسان (نام مستعار) اهل نورآباد مازندران، تابستان ۱۳۶۰، تهران، کارگر، فوت از بیماری سرطان، وی برای معالجه به لندن اعزام شد ولی نتیجه نبخشد (ر. ک. به بزرگداشت او در پیکار ۱۰۷ و ۱۱۲)
- ۲۰- عبدالحسین احسانی، تابستان ۱۳۶۰، تهران، تیرباران
- ۲۱- غلامرضا اخلاقی، تابستان ۱۳۶۰، کرج، تیرباران
- ۲۲- نسترن اخلاقی (خاطره ای از روحیه خوب او در زندان در دست است که بعداً در کتاب خواهد آمد).



- ۲۳- حسین اخوت، ۱۳۶۱/۳/۸، اراك، درگیری، دانشجو
- ۲۴- حسین اخوت مقدم (رضا)، اسفند ۱۳۶۱، تهران، تیرباران، کارگر جوشکار
- ۲۵- حسین اخوت فوده ای، اسفند ۱۳۶۱، اصفهان، کارگر نوب آهن
- ۲۶- صادق اخوت، ۱۳۶۰/۶/۳۱، تهران، تیرباران، کارگر [عکس دارد]
- ۲۷- اصغر اربابی، قم، تیرباران
- ۲۸- سوسن ارجمندی، اردیبهشت ۱۳۶۱، شیراز، حلق آویز، دانش آموز
- ۲۹- محمود اسلامی، تابستان ۱۳۶۳، تهران، تیرباران
- ۳۰- محمد اشرفی، ۱۳۵۹/۸/۳، آغاچاری، نفتگر، تیرباران به خاطر تبلیغ و افشاگری علیه جنگ ایران و عراق
- ۳۱- محمد ابراهیم اشکان (اشقانی)، اواخر شهریور ۱۳۶۰، چاه بهار، شهادت زیر شکنجه (رژیم اعدام او را در ۱۳۶۰/۷/۲۷ اعلام کرده)، مهندس، سابقاً دانشجو در تبریز و فعال سیاسی.
- ۳۲- گیتی اصغری، ۱۳۶۰/۱۰/۱۷، تهران، تیرباران (همسر رفیق شهید محمود افشار)
- ۳۳- حمید اصفهانی، سال ۱۳۶۰، آبادان، تیرباران، کارمند فنی شرکت نفت
- ۳۴- کاظم اعتمادی عیدگاهی (نام مستعار حسین ملک)، ۱۳۶۲/۲/۱۴، تهران، تیرباران، مهندس از دانشگاه صنعتی، عضو تحریریه پیکار [شرح حال و عکس دارد]
- ۳۵- فریدون اعظمی، ۸ آبان ۱۳۶۱ در تهران، دارای دو فرزند [عکس دارد]
- ۳۶- صارم الدین افتخاری، اسفند ۱۳۶۰، سنندج، تیرباران، دانشجو
- ۳۷- فاطمه (مهناز) افشار، ۱۳۶۰/۱۰/۱۷، تهران، تیرباران
- ۳۸- محمود افشار، ۱۳۶۰/۱۰/۱۷، تهران، تیرباران
- ۳۹- عبد النبي افشاری، ۱۳۶۰/۷/۱۰، تهران، تیرباران
- ۴۰- فرخ افشاری نسب، ۱۳۶۰/۴/۲۵، تهران، تیرباران [عکس دارد]
- ۴۱- محمود افشاری نسب، سال ۱۳۶۱، آغاچاری، تیرباران، فوق دیپلم
- ۴۲- اسماعیل اکانه (یگانه؟) دوست، ۱۳۶۰/۴/۸، تبریز، تیرباران
- ۴۳- اصغر اکبرنژاد عشاق، سال ۱۳۶۱، تیرباران، تهران
- ۴۴- اکرم (نام مستعار)، اواخر ۱۳۶۱، بندر عباس، تیرباران (تقریباً ۲۸ ساله، اهل کرمان، لیسانسیه شیمی، دبیر دبیرستان های دخترانه بندر عباس که در اوایل ۱۳۶۱ دستگیر شده بود)
- ۴۶- سیامک الماسی
- ۴۷- پروانه امام، ۱۳۶۱/۱۲/۱۹، اصفهان، دانشجو در همین شهر بوده [عکس دارد]
- ۴۸- محمد رضا امامی، در بخش کارگری و نیز انتشارات فعالیت داشته
- ۴۹- جواد امیرشاهی، ۱۳۶۰/۵/۸، سمنان، تیرباران
- ۵۰- فتح الله امیری، ۱۳۶۰/۱۰/۸، اراك، تیرباران
- ۵۱- برزو امینی، اسفند ۱۳۵۹، در راه انجام وظیفه
- ۵۲- حسین اندخیده، ۱۳۶۰/۶/۷، بوشهر، تیرباران، معلم
- ۵۳- مجید اولیائی، ۱۳۵۹/۱۲/۱۳، بر اثر بیماری
- ۵۴- نسرین ایزدی واحدی، ۱۳۶۰/۱۲/۲۰، تهران، تیرباران، (نام مستعار منیژه) عضو تحریریه پیکار، همسر رفیق شهید بهروز جهاندار ملک آبادی، مادر يك فرزند دختر [عکس دارد]
- ۵۵- مهدی ابریشمچی، سال ۱۳۶۲، اعدام در زندان اوین

- ۵۶- ایرج ایوبی، دستگیری در اوایل بهمن ۶۰ و شهادت در ۱۲ همان ماه در کمیته‌نوشهر. تیرباران (؟)
- ۵۷- جهانگیر بافرانی، ۱۳۵۸/۱۲/۲۵، اهل قم، در راه انجام وظیفه دانشجوی
- ۵۸- حمید باقری، ۱۳۶۰/۷/۲۲، گرگان، تیرباران
- ۵۹- حشمت باقری، ۱۳۶۰/۱/۷، بیماری سرطان
- ۶۰- محمد حسین باقری، اعدام در بندر عباس (اهل «درواهی» از توابع برازجان، دبیر دوره‌ی راهنمائی)
- ۶۱- محمود باقری محقق، ۱۳۶۰/۱/۲۸، مشهد، تیرباران
- ۶۲- روح الله باقروند، ۱۳۶۰/۴/۳۱، تهران، تیرباران
- ۶۳- اسماعیل بحرناک، ۱۳۶۰/۱۰/۱۸، اراک، تیرباران
- ۶۴- خسرو بایرامی، سال ۱۳۶۰، بابل، تیرباران، کارگر عکاس، اهل همدان
- ۶۵- مصطفی بختیاری، ۱۳۶۰/۸/۵، مهاباد، تیرباران
- ۶۶- رضا براتوند، ۱۳۵۸/۴/۲۱، لالی (مسجد سلیمان)، ترور توسط یک گروه حزب اللهی
- ۶۷- احمد برادر عمو اوغلو، تبریز، تیرباران
- ۶۸- عطا براننده، ۱۳۵۹/۷/۱۲، کردستان، درگیری، پیشمرگه
- ۶۹- جعفر برزگر، ۱۳۶۱/۱/۲۸، شیروان، تیرباران
- ۶۹ مکرر- بهروز برزو همراه با همسرش کبری اهل گیلان که پس از آزادی از زندان در یک حادثه کوهنوردی (سرمازدگی) جان سپردند.
- ۷۰- فریدون برناک ۱۳۶۱/۳/۷، کرمانشاه، تیرباران، دانشجوی
- ۷۱- نوروعلی برومندزاده، خرداد ۱۳۶۲، اصفهان، تیرباران، کارگر
- ۷۲- مرتضی بقائی، دانشجو (...؟)
- ۷۳- عباس بنائی، ۱۳۶۰/۵/۲۴، تبریز، تیرباران در تهران (یا تبریز؟)، دانشجو در آلمان، [عکس دارد]
- ۷۴- جواد بهاریان شرقی، ۲۱ مرداد ۱۳۶۰
- ۷۵- صالح بهرامی، ۱۳۶۱/۱۲/۹
- ۷۶- ابراهیم بهرامی سعادت، ۱۳۶۱/۷/۲۸، بندر عباس، حلق آویز، کارگر
- ۷۷- فرهاد بهرمان، سال ۱۳۶۲، کرمانشاه دیپلم
- ۷۸- صادق بهمنی، ۱۳۵۹/۱۰/۱۷، کردستان، درگیری، پیشمرگه
- ۸۰- کامیار بیگری [عکس دارد]
- ۸۱- رحمان پرهوده، دانشجوی پزشکی در زاربروکن (آلمان) و پس از بازگشت به ایران در زمان انقلاب، دانشجو در دانشگاه تهران، از خانواده کارگری، در ارتباط با یک گروه کوهنوردی دستگیر و در سال ۱۳۶۰ اعدام شده
- ۸۲- ربرت پایازیان، ۱۳۶۱/۴/۲۸، تهران، تیرباران، سابقاً دانشجو در فرانسه و فعال سیاسی [عکس دارد]
- ۸۳- محمد علی پژمان (نام مستعار علی کاکو)، اهل شیراز، از فعالین کنفدراسیون دانشجویان ایرانی در آلمان (تحصیلات در شهر کیل)، از مؤسسين گروه پیکار خلق (در خارج کشور) که در سال ۵۸ به سازمان پیکار پیوست، در تهران فعال در این سازمان و عضو تحریریه پیکار تئوریک بود. دستگیری در سال ۱۳۶۰، شهادت در جریان اعدام های دستجمعی زندانیان سیاسی در سال ۱۳۶۷. وی از فعالین پیکار در دشت مغان و کشت و صنعت آن منطقه بود و در تشکیلات کارگری آن منطقه فعال بود. یکی از همزندانان هایش می نویسد: «در جمع کوچک و چند نفری ما، اول ماه مه را در زندان سازماندهی می کرد. چندین روز قبل از اعدام ها که او

- دچار بیماری سختی شده بود و چرك به خونش راه یلافته بود با كمل تعجب او را بستری و معالجه كردند و وقتی او را از بهداری برگرداندند می گفت «مرا برای كشتن پروار كرده اند». او جزء اولین گروه اعدام شد. اگر نظری داشت با قاطعیت روی افكارش پای می فشرد».
- ۸۴- سعید پسندیده، به اتهام برپا كردن تشكیلات پيكار در زندان، او را همراه با عده ای دیگر از زندان قزل حصار بند ۵ واحد ۳ برده در يك اعدام دستجمعی در ۱۴ بهمن ۱۳۶۰ اعدام شد.
- ۸۵- طاهره پشتیبیان، ۱۳۶۰/۱۰/۲۰، رشت، تیرباران، دانشجو
- ۸۶- حمید پورعباسیان، شهریور ۱۳۶۰، تبریز، تیرباران [عكس دارد]
- ۸۷- حمید پور صفر جهرمی، ۱۳۶۱/۹/۴، شیراز، تیرباران
- ۸۷- مكرر- نصرت الله پیرالوند، مرداد ۱۳۶۰، تهران، تیرباران [عكس دارد]
- ۸۸- محسن پیغمبر زاده، ۱۳۶۰/۶/۲۶، قم تیرباران، دانش آموز [عكس و شرح حال دارد]
- ۸۹- مسعود پوركریم (نام مستعار: حمید)، سال ۱۳۶۲، تهران، مبارز قدیمی، كاندیدای انتخابات مجلس از طرف سازمان پيكار در شهر انزلی، از كادرهای مرکزی سازمان و زمانی مسؤول کمیته تبریز [عكس دارد]
- ۹۰- نصر الله تاج بخش (نام مستعار یوسف)، ۱۳۶۱/۹/۳، شیراز، حلق آویز در زندان عادل آباد، متولد ۱۳۴۰ در بندر عباس، دیپلمه، از مسؤولین بخش دانش آموزی پيكار در این شهر
- ۹۱- جعفر تاری وردی قاضی جهانی (نام مستعار عارف) سال ۱۳۶۰، تبریز، تیرباران در تهران، كارگر (در جریان مصاحبهء حسین روحانی در حسینیه اوین بلند شده و اعتراض می كند و پاسداران او را با ضرب و شتم از جلسه بیرون می برند و ...)
- ۹۲- محمد رضا ترابی (امین)، ۱۳۶۰/۳/۱۲، بندر عباس، تیرباران، دانش آموز
- ۹۳- ایرج ترابی، ۱۳۶۰/۱/۳۱، شهادت در نتیجه پرتاب چندین نارنجك توسط عمال رژیم به صف تظاهرات و راهپیمائی سازمان پيكار که در اعتراض به حملهء رژیم به دانشگاه ها برپا شده بود و موجب كشته شدن سه رفیق و زخمی شدن چند نفر گردید [عكس دارد]
- ۹۴- مجتبی تركاشوند، ۷ یا ۸/۶/۱۳۶۰، کرمانشاه [عكس دارد]
- ۹۵- حمید رضا ترك پور ... تهران
- ۹۶- محمد مهدی تنكابنی، ۱۳۶۰/۶/۲۵، تهران، تیرباران
- ۹۷- احمد توكلی، ۱۳۶۰/۵/۲۱، بندر عباس تیرباران
- ۹۸- بهاء الدین توكلی، ۱۳۶۰/۸/۲۰، تبریز، تیرباران
- ۹۹- منوچهر تهرانی، ۱۳۶۰/۸/۱۶، قائم شهر، تیرباران
- ۱۰۰- روح الله تهرانی، ۱۳۶۰/۶/۷، تهران، تیرباران، معلم
- ۱۰۱- مهرداد تیموری، تهران
- ۱۰۲- روح الله تیموری (؟) سال ۱۳۶۰، تهران، تیرباران
- ۱۰۳- امیر منصور تیموریان [عكس دارد]
- ۱۰۴- ادنا ثابت (نام مستعار طاهره، وابسته به يك خانواده از اقلیت های دینی) زمستان ۱۳۶۰، تهران، تیرباران، همرزم و همسر رفیق شهید غلامحسین سلیم آرونی (عباس). تا تابستان ۵۷ عضو سازمان چريك های فدائی خلق بودند که به بخش منشعب از مجاهدین پیوستند و بعد همکاری خود را با سازمان پيكار ادامه دادند. رفیق ادنا ثابت از مسؤولین بخش كارگری سازمان و عضو کمیتهء تهران بود [عكس دارد]. یکی از همرزمان اش می نویسد: «برای انتقال جمع بندی دو نظرگاه با جمع مركزیت و کمیتهء تهران از جمع خودش انتخاب شده بود که بحث ها را منتقل كند. او با يك نظر موافق بود ولی با نظری دیگر مخالف، در انتقال جمع بندی

- بحث‌ها رفقای مرکزی، این رفیق آنقدر صداقت به خرج داد که ما از اول نمی دانستیم خودش موافق کدام دیدگاه است و پس از گزارش دو دیدگاه، نظر موافق اش را اعلام می کرد.»
- ۱۰۵- داوود ثروتیان (نام مستعار: پولاد)، مرداد ۱۳۶۰، تبریز، تیرباران، بخش تدارکات سازمان در تبریز
- ۱۰۶- سعید جاوید، از فعالین سازمان دانشجویان و دانش آموزان پیکار در کرج، از بند ۵ واحد ۳ زندان قزل حصار او را با عده ای دیگر برده در ۱۴ بهمن ۱۳۶۰ اعدام کردند.
- ۱۰۷- کریم جاویدی، ۱۳۶۰/۵/۲۰، تبریز، تیرباران، پزشک (انترن) [عکس دارد]
- ۱۰۸- کریم جباری، تحصیلات در فرایبورگ آلمان، دکتر مهندس در کشاورزی، در سال ۱۳۵۶ به ایران برگشت و در دانشگاه گیلان تدریس می کرد. در ارتباط با سازمان پیکار و صیادان شمال فعالیت داشت. در سال ۶۰ دستگیر و سریع اعدام شد.
- ۱۰۹- حسین جزائی، آذر ۱۳۶۰، تهران، تیرباران
- ۱۱۰-
- ۱۱۱- عبدالحمید جعفری زیارتی، ۱۳۶۰/۶/۸، تهران، تیرباران
- ۱۱۲- بهمن جلیلی، لاهیجان، دانش آموز
- ۱۱۳- غلام (جعفر) جلیلی کهنه شهری، ۱۳۶۳/۱/۲۵، اوین (تهران)، تیرباران [عکس و وصیتنامه دارد]
- ۱۱۴- شیرزاد جمالی، ۱۳۶۱/۹/۴، شیراز، تیرباران
- ۱۱۵- شهرام جناب، ۱۳۶۰/۵/۱۳، تهران، تیرباران، دانشجوی رشته فیزیک [عکس دارد]
- ۱۱۶- حسن جمشیدی، ۱۳۶۰/۷/۲۹، همدان، تیرباران، دانشجوی حقوق در دانشگاه ملی، از خانواده کارگری، از مسؤولین سازمان دانشجویی پیکار
- ۱۱۶ مکرر - حسین جمشیدی از برتان کرج، از فعالین سیاسی زمان شاه، دانشجوی حقوق، در نوشهر دستگیر شده و پس از ۱۲ ساعت اعدام شده است، سال ۱۳۶۰ (احتمالاً با شماره ۱۶۰ یکی ست).
- ۱۱۷- بهروز جمشیدی مجد، مرداد ۱۳۶۲، مسجد سلیمان، تیرباران، معلم
- ۱۱۸- عبدالکریم جوادی، ۱۳۶۰/۷/۱۹، تهران، تیرباران، استاد دانشگاه
- ۱۱۹- کامیار جهان بیگری، ۱۳۶۰/۵/۱۲، تهران، تیرباران، مهندس
- ۱۲۰- سید محسن جهاندار دماوندی، ۱۳۶۰/۵/۱۲، تهران، حقوقدان
- ۱۲۱- بهروز جهاندار ملک آبادی، ۱۳۶۰/۱۱/۲۸، تهران، زیر شکنجه [عکس دارد]
- ۱۲۲- خسرو جهاندیده، (پسرخاله حسن منصوری)
- ۱۲۲ مکرر- حسن (حسین) جهاندیده لاکانی (نام مستعار عباس)، سال ۱۳۶۴، تهران، تیرباران، از مسؤولین کمیته شمال
- ۱۲۳- مسعود (احمد) جیگاره ای (نام مستعار جلیل)، احتمالاً اواخر ۱۳۶۱، تهران، تیرباران، عضو مرکزیت سازمان پیکار، همسر منیژه هدائی [عکس دارد]
- ۱۲۴- ... چالیش، سال ۱۳۶۱، آغاچاری، تیرباران، دیپلمه
- ۱۲۵- مسعود چمن پیرا، ۱۳۶۰/۴/۳۱، تهران، تیرباران
- ۱۲۶- حمید چهل پلی زاده، ۱۳۶۰/۱۰/۱۰، تیرباران، اهل شوشتر، زندانی زمان شاه. لیسانس کشاورزی بود، اما چون بعد از انقلاب به وی کار ندادند برای امرار معاش در یک مغازه تعمیر رادیو - تلویزیون کار می کرد. از خانواده ای زحمتکش بود. دارای قدرت کلام مؤثر توده ای. افشاگر خرافات دینی، در سیاسی کردن جو شوشتر نقش زیادی داشت، با روحانیونی که علیه مارکسیسم تبلیغ می کردند بحث می کرد. در سال ۱۳۶۰ دستگیر شد، مدرکی علیه اش نداشتند. روحیه بسیار خوبی داشت و از اعتقاداتش با سربلندی دفاع می

کرد. یکی از افراد جوخهء اعدام که زمانی شاگرد او بوده و حالا از اصلاح طلبان است چنین گفته: وقت اعدام رئیس سپاه به حمید چهل پلی زاده گفت توبه کن تا به جهنم نروی ولی قاطعانه جواب شنید که «من به بهشت و جهنمتان باور ندارم» و با او بحث می کند. رئیس سپاه به وی سیلی می زند و می گوید سر اعدام هم دست بر نمی داری. سپس دستور می دهد که او و سه نفر دیگر را که با او اعدام شدند اول پاهایشان را هدف قرار دهند. بدین ترتیب آن ها را زجر کش کردند. [سه نفر دیگر که با او اعدام شدند عبارت اند از: محمد علی معمار (از سازمان رزمندگان که از ۵۲ تا ۵۷ در زندان بوده)، مهدی محمدی و محسنی (گویا از اقلیت؟)]

- ۱۲۷- رحمت حبیب پناه، ۱۳۶۰/۵/۱۳، تهران، تیرباران، پیشمرگه
- ۱۲۸- بهرام حدادیان ... ؟
- ۱۲۹- تیمور حسینی، ۱۳۵۹/۷/۲۷، درگیری در کردستان، پیشمرگه
- ۱۳۰- اسماعیل حسونوند، ۱۳۶۰/۴/۳۰، مسجد سلیمان، تیرباران، دانش آموز
- ۱۳۱- چیزام حسنی، ۱۳۶۱/۱۲/۹، تیرباران، دانش آموز
- ۱۳۲- محمود حسنی مقدم، ۱۳۶۰/۵/۲۵، تهران، تیرباران، معلم
- ۱۳۳- خیر الله حسینی، ۱۳۶۰/۵/۱۸، تبریز، تیرباران
- ۱۳۴- غلامحسین حسینی از کرج، او را از بند ۵ واحد ۳ زندان قزل حصار بردند و در یک اعدام دستجمعی در ۱۴ بهمن ۱۳۶۰ اعدام شده است.
- ۱۳۵- کاظم حسینی [عکس دارد]
- ۱۳۶- رضا حسینی خانی، ۱۳۶۰/۴/۳۱، تهران، تیرباران، ناشر (در انتشارات آگاه) [عکس دارد]
- ۱۳۷- اسحاق حصولی (نام مستعار حسن)، ۱۳۶۰/۷/۵، تبریز، تیرباران، لیسانسیه
- ۱۳۸- علی اکبر حق بیان، ۱۳۶۰/۹/۱۹، نور (مازندران)، تیرباران (از اقلیت بوده)- صادق ای میل ۳۱ اوت ۲۰۰۱
- ۱۳۹- محمد هاشم حق بیان ۱۳۶۰/۹/۱۸، نور (مازندران)، تیرباران
- ۱۴۰- سارا حمیدی، ۱۳۶۱/۹/۴، شیراز، تیرباران
- ۱۴۱- عباس علی حق وردیان، خرداد ۱۳۶۲، تهران، تیرباران، سابقاً دانشجوی در سوئد [عکس دارد]
- ۱۴۲- جواد حیدری کایدان، سال ۱۳۶۱، آغاچاری، تیرباران، دانشجوی پزشکی
- ۱۴۳- حمید حیدری، در سال ۶۶ به ۱۵ سال زندان محکوم شده بود. شهادت در جریان اعدام های دستجمعی سال ۱۳۶۷، تهران
- ۱۴۴- داوود حیدری، دبیر ریاضیات، دستگیری در ۷ اسفند ۱۳۶۰ و شهادت در جریان اعدام های دستجمعی سال ۱۳۶۷، حلق آویز در زندان گوهردشت، در ۵ شهریور [عکس دارد]
- ۱۴۵- جمیلهء خاصری، ۱۳۶۰/۶/۹، اهواز، تیرباران
- ۱۴۶- بهروز خاصه، ۱۳۶۰/۴/۳۱، تهران، تیرباران [عکس دارد]
- ۱۴۷- علی اکبر خان احمدی ۷ یا ۸/۶/۱۳۶۰، تهران، تیرباران، نفتگر با سابقه در آغاچاری [عکس دارد]
- ۱۴۸- حسینی خانی، ۱۳۶۰/۳/۳۱، اراک، تیرباران ..... (؟)
- ۱۴۹- ناصر خادم حسینی .... تبریز، تیرباران، دانشجو
- ۱۵۰- محسن خاکمردانی، تابستان ۱۳۶۰، تبریز، تیرباران، دادیار در شهر مرند
- ۱۵۱- محمود خاکمردانی (رحیم)، آبان ۱۳۶۰، تبریز، تیرباران، کتابفروش
- ۱۵۲- علی خاوری (نام مستعار) زمستان ۱۳۶۰، تهران، تیرباران، کارگر با سابقه بنز خاور (نماینده شورای

## کارگران

- ۱۵۳- منوچهر خدادادی، آبان ۱۳۶۴
- ۱۵۴- محمد حسین خراسانیان، ۱۳۶۰/۵/۲۷، قم، تیرباران، دانش آموز
- ۱۵۵- جمشید خرمن بیز، دیپلمه، دستگیری در اوایل بهمن ۶۰ و شهادت در ۱۳۶۰/۱۱/۱۲ در کمیته نوشهر ... (؟)
- ۱۵۶- علی خستائی، ۱۳۶۰/۱۰/۱۱، اراک، تیرباران
- ۱۵۷- مجید رضا خسروی کامرانی (نام مستعار: نادر)، ۱۳۶۰/۵/۲۱، تهران، تیرباران، دانشجوی مهندسی راه و ساختمان، ۲۱ ساله [عکس دارد]
- خاطره يك همرزم:** «ما در بخش توزیع، حوالی میدان گل ها که در سال ۱۳۶۰ لو رفت فعالیت داشتیم. شب حمله من در توزیع تهران، مثل شب های قبل خوابیده بودم. نیروهای رژیم گویا ابتدا به خانه ها و سپس به مراکز چاپ و توزیع حمله کرده بودند. به هر حال، بعد از حمله به خانه نادر و در حال بردن او، رفیق تلفن توزیع را مخفیانه به اهالی خانه رد می کند و آن ها بعد از بردن او دو بار به من تلفن کرده و خواستند محل را ترک کنم و من دفعه دوم آنجا را ترک کردم. احساس مسؤولیت و باهوشی رفیق نادر موجب نجات جان من شد. و اکنون در سوئد زندگی می کنم. یادش گرامی باد.»
- ۱۵۷ تکراری - وحید خسروی
- ۱۵۸- فاطمه خشنند، سال ۱۳۶۰، تهران، تیرباران، مهندس
- ۱۵۹- مسلم خلیج، ۱۳۵۹/۴/۲۰، تهران، در راه انجام وظیفه، دانشجو
- ۱۶۰- ارسلان خلیلی، ۱۳۶۰/۶/۱۱، درگیری در کردستان، پیشمرگه
- ۱۶۱- ... خنجری، تابستان ۱۳۶۰، تبریز، تیرباران
- ۱۶۲- علی خواجه وند، ۱۳۶۰/۵/۲۲، قزوین، تیرباران
- ۱۶۳- حمید رضا خوشنام، ۱۳۶۰/۵/۱۳، تهران، تیرباران
- ۱۶۴- مجید رضا خوشنام، ۱۳۶۰/۶/۷، تهران، تیرباران [حمید و مجید برادر بودند. هر دو عکس دارند]
- ۱۶۵- حجت الله خوش کفا، ۱۳۵۸/۱۲/۲۵، اندیمشک، دانش آموز، ترور
- ۱۶۶- جواد خیاط زاده (نام مستعار: یاشار)، ۱۳۶۰/۵/۷، تبریز، تیرباران، تدارکات سازمان در تبریز
- ۱۶۷- باقی خیاطی، ۱۳۵۹/۱۲/۷، در جریان حمله حزب دموکرات به مقر سازمان پیکار در بوکان
- ۱۶۸- سعید دادخواه ... از مسؤولین سازمان در کرمانشاه، شهادت در زندان سپاه پاسداران در همدان، کارمند (مدتی عضو سازمان دانشجویی پیکار در همدان و سپس سازمان پیکار در کرمانشاه).
- ۱۶۹- محمد دانائی، ۱۳۶۰/۵/۷، تیرباران، کارگر، تبریز
- ۱۷۰- رضا دالوند، ۱۳۶۰/۶/۲۲، شیراز، تیرباران
- ۱۷۱- کامران دانشخواه، ۱۳۶۰/۵/۲۶، تبریز، تیرباران، دانشجو
- ۱۷۲- محمد دانشور جامع (نام مستعار: مهدی)، ۱۳۶۰/۵/۷، از کارگران با سابقه، از بخش چاپ سازمان در تبریز، دارای دو فرزند [عکس دارد]
- ۱۷۳- احمد ... (پسرخاله محمد دانشور) ۱۶ ساله
- ۱۷۴- داوود ارومیه (نام مستعار؟) ... تهران، تیرباران، دانشجو
- ۱۷۵- علی اکبر داوودی، ۱۳۶۰/۴/۳۱، تهران، تیرباران
- ۱۷۶- موسی داوودی، ۱۳۶۰/۷/۵، تبریز، تیرباران، دانش آموز
- ۱۷۷- شکر الله دانشیار، ۱۳۵۹/۷/۲۷، خوزستان، تیرباران به جرم تبلیغ و افشاگری علیه جنگ ایران و عراق

- ۱۷۸- فرج الله دشتیانی، سال ۱۳۶۰، شیراز، تیرباران، کارمند فنی پالایشگاه آبادان و دبیر شورای کارکنان پالایشگاه، کاندیدای انتخابات مجلس شورا در سال ۱۳۵۸ [عکس دارد]
- ۱۷۹- مختار دشتی مقدم، ۱۳۶۱/۹/۴، شیراز، تیرباران
- ۱۸۰- غلامحسین دهداری، ۱۳۶۱/۹/۴، شیراز، تیرباران
- ۱۸۱- محمود دهقانی، ۱۳۶۱/۹/۴، شیراز، تیرباران
- ۱۸۲- داوود دهقان عقیل آبادی، ۱۳۶۰/۶/۹، تهران، تیرباران، سابقاً دانشجو در سوئد
- ۱۸۳- منصور دهقانی، ۱۳۶۰/۶/۱۰، اهواز، تیرباران، دانشجو
- ۱۸۴- مهر اعظم دوانی پور، پائیز ۱۳۶۱، شیراز، تیرباران، دانشجو
- ۱۸۵- محمد دوستدار، ۱۳۶۰/۹/۴، تهران، تیرباران
- ۱۸۶- ویکتوریا دولت‌شاهی، ۱۳۶۰/۵/۱۶، کرمانشاه، تیرباران، دانش آموز
- ۱۸۶ تکراری - اسماعیل ذبیح اللهی
- ۱۸۷- علی رادفر، ۱۳۶۰/۹/۲، بجنورد
- ۱۸۸- امیر راهدار، ۱۳۶۱/۷/۷، از سازمان دانشجویان هوادار پیکار در بنگلور (هند)، ترور به دست عمال رژیم، دانشجو [عکس دارد]
- ۱۸۹- علی رضا رجائی منش، مهرماه ۱۳۶۰، تهران، تیرباران
- ۱۹۰- علی رضا (ارشد) رحمانی شستان، ۱۳۶۰/۳/۳۱، تهران، تیرباران، کاندیدای انتخابات مجلس شورا از شهر سراوان در بلوچستان، مهندس.
- ۱۹۱- حمید رحمانپور، ۱۳۵۹/۸/۶، خوزستان، در راه انجام وظیفه
- ۱۹۲- حسین رحمانی، ۱۳۶۱/۹/۴، شیراز، تیرباران، دبیر
- ۱۹۳- هوشنگ رحمانی، پائیز سال ۱۳۶۰، شیراز، تیرباران، دانش آموز
- ۱۹۴- ارژنگ رحیم زاده، اسفند ۱۳۶۰، تهران، تیرباران، چهره سرشناس و سخنور و فعال جنبش دانشجویی، عضو تحریریه پیکار، لیسانسیه حقوق و علوم سیاسی
- ۱۹۵- علی مراد رحیمی، ۱۳۶۰/۶/۷، تهران، تیرباران
- ۱۹۶- ساسان رسولی، ۱۳۶۰/۶/۸، تهران، تیرباران، دانش آموز
- ۱۹۷- شهریار رسولی، ۱۳۶۰/۸/۳۰، تبریز، تیرباران
- ۱۹۸- سعید رستمکلائی، ۱۴ بهمن ۱۳۶۰، او را با عده ای دیگر از بند ۵ واحد ۳ زندان قزل حصار به اعدام دستجمعی بردند. اوین (تهران)، اعدام به جرم هواداری از پیکار. او کالج را در شهر کیل (آلمان) گذرانده بود.
- ۱۹۹- علی رضا رستمی
- ۲۰۰- یعقوب رشتی (ناصر)، ۱۳۶۱/۹/۳، شیراز، حلق آوین، دانش آموز، از تشکیلات هواداران پیکار در بندر عباس
- ۲۰۱- ناصر رشیدیان، مسجد سلیمان، دانشجو
- ۲۰۲- جمشید رشیدیان دزفولی، ۱۳۶۰/۵/۵، تهران، زیر شکنجه، معلم
- ۲۰۳- داریوش رضازاده، ۱۳۶۰/۴/۱۰، تهران، تیرباران
- ۲۰۴- حجت رضائی، فروردین (۴) ۱۳۶۷، در جریان اعدام های دستجمعی زندانیان سیاسی، اهل چالوس، ۲۰ ساله (در هنگام دستگیری ۱۴ سال داشته).
- ۲۰۵- حسین رضائی، ۱۳۶۰/۵/۲۵، تهران، تیرباران

- ۲۰۶- مژگان رضوانیان. ۱۳۶۰/۲/۱۹، تهران، دانش آموز، فوت در بیمارستان به دنبال مجروح شدن در جریان حمله حزب اللهی ها به تظاهرات سازمان پیکار در تاریخ ۱۳۶۰/۱/۳۱ که به مناسبت اولین سالگرد حمله رژیم به دانشگاه و بستن آن برپا شده بود [عکس دارد]
- ۲۰۷- بهرام رضوانی نژاد، ۱۳۶۰/۵/۱۳، شیراز، تیرباران، دانشجو [عکس دارد]
- ۲۰۸- حسن روح الله ..... دیماه ۱۳۶۰، اراک
- ۲۰۹- احمد علی روحانی (نام مستعار ناصر)، اسفند ۱۳۶۰، تهران، تیرباران، مبارز قدیمی و از مسؤولین سازمان [عکس دارد]
- ۲۱۰- جلال روحانی (نام مستعار یونس)، اسفند ۱۳۶۰، تیرباران، مسؤول کمیته اصفهان، برادر احمد علی [عکس دارد]
- ۲۱۱- ولی الله رود گریان، ۱۳۶۲/۲/۱۲، تهران، تیرباران، معلم (همسر مینو ستوده پیمان)، در شهر خود آمل مورد احترام، دو بار از دام پاسداران توانست فرار کند ولی در يك خانه تیمی در رشت دستگیر شد و در جریان بازجویی مقاومت بسیار کرد و از مواضع انقلابی و کمونیستی اش سرسختانه دفاع نمود. حسین روحانی را پیش او برده بودند تا او را شناسایی کند، اما روحانی با اینکه او را می شناخت گفته بود نمی شناسم.
- ۲۱۲- ناصر روزپیکر، ۱۳۶۰/۸/۲۰، تبریز، تیرباران
- ۲۱۳- نادر روستا (نام مستعار رضا)، ۱۳۶۱/۹/۳، حلق آویز، دانش آموز
- ۲۱۴- منصور روغنی (نام مستعار جعفر)، بهمن ۱۳۶۰، تهران، تیرباران، سابقاً دانشجو و فعال سیاسی در فرانسه، مسؤول چاپخانه سازمان [شرح حال و عکس دارد]
- ۲۱۵- حسین روغنی، ۱۳۶۰/۵/۳، اراک، تیرباران
- ۲۱۶- عباس رئیسی، ۱۳۶۷/۶/۹ در گوهردشت (در جریان اعدام های دستجمعی از مواضع انقلابی و کمونیستی اش سرسختانه دفاع کرد. در آن وقت دو سال از پایان حکمش گذشته بود)، دانشجوی سال سوم حقوق دانشگاه ملی، اهل دشتستان [عکس دارد]. یکی از همزندانان اش می نویسد:
- «من فوق العاده از این انسان خوشم می آمد. قیافه ای صمیمی و دوست داشتنی داشت. همیشه سرحال و شاداب بود. فردی صاحب نظر و با رأی بود. میزان علاقه او به رفقا و افراد مبارز به اندازه نفرت وی از جانیان رژیم بود. از بندی که او را به دادگاه چند دقیقه ای آخری بردند، با محمد حسن زعفرانچی و من تماس داشت و عین صحبت او قبل از رفتن به بیرون بند چنین بود: «من می دانم برای چه بچه ها را می برند. من از تمامی اعتقاداتم دفاع کرده، مرگ را خواهم پذیرفت». رفتار و صحبت او با با مسؤولین آن دادگاه مرگ چنان بود که او را کتک کاری کرده و به سمت صف مرگ بردند تا بعد به دار آویزان کنند».
- ۲۱۷- عبدالرحیم رئیسی، اوایل مرداد ۱۳۶۰، زاهدان، تیرباران، دانشجوی دانشسرای عالی زاهدان
- ۲۱۸- نصر الله ریاحی .... خوزستان، دانشجو
- ۲۱۹- محمد گل ریگی، فروردین ۱۳۶۱، زاهدان، تیرباران. او دانشجوی دانشگاه بلوچستان بود. بنا به گفته شاهدی عینی که در آن موقع در زندان پایگاه یا زندان شماره ۱ زاهدان (زندان ساواک سابق) بوده است محمد گل ریگی در زیر شکنجه کشته می شود.
- ما می دانیم که او ضمن فرار (فرار دوم) از زندان شماره ۲ یا به قول خودشان «ندامتگاه شماره ۲» زاهدان تیر می خورد. بنا به گفته شاهد مزبور، محمد گل را که زخمی بوده همان شب به زندان می آورند و در یکی از سلول های بند او را که زخمی هم بوده آن قدر شکنجه می کنند که جان می دهد. رفیقی هم که در زندان شماره ۲ زندانی بوده نقل می کند که مسؤولان زندان، روز بعد جسد محمد گل را در وسط حیاط زندان به دیگر زندانی ها نشان می دادند و می گفتند که او در حین فرار کشته شده است و این است عاقبت



فرار از زندان!

۲۲۰- ....

۲۲۱- حمید زارع، ۱۳۶۰/۶/۱۱، یزد

۲۲۲- عباس زارع، در سال ۱۳۶۷، اوین

۲۲۳- مجتبی زرگری، ۱۳۶۰/۴/۳۱، تهران، تیرباران

۲۲۳ مکرر- کریم زرین مهر (نام مستعار بهروز قاسمی):، ۱۳۶۰/۴/۱۲، اصفهان، تیرباران، دیپلمه [تراکت د. د.

اصفهان] [عکس دارد]

۲۲۴- حسن زعفرانچی که در جریان کوهنوردی کشته شده است. یکی از دوستانش می نویسد: «او با عده ای به

کوه رفته بود. یکی از دوستان که امتحان کنکور داشته و قرار بوده زودتر به شهر برگردد با کمک محمد

حسن قصد برگشت داشتند. هنگام بازگشت، کوه ریزش می کند و آن دو در پناه صخره ای پناه می گیرند که

متأسفانه سنگی با سر محمد حسن برخورد می کند و با عث مرگ او می شود. او تقریباً ۹ سال در زندان

بود و برای آزادی لحظه شماری می کرد و دو سه ماه از آزادی او نگذشته بود که این حادثه رخ داد».

۲۲۴ مکرر- عباس زمان کسبی، شهریور ۱۳۶۰، تیرباران، کارگر

۲۲۵- علیرضا زمردیان، سال ۱۳۶۷ در جریان اعدام های دستجمعی زندانیان سیاسی، مبارز قدیمی و همکار

تحریریه پیکار تئوریک [عکس دارد با يك یادداشت کوتاه شرح حال و مقاله ای در راه کارگر]

۲۲۶- حسین زیدآبادی، تابستان ۱۳۶۰، کرمان، تیرباران

۲۲۷- نعمت الله سادات شکوهی، ۱۳۶۱/۳/۶، مشهد، حلق آویز

۲۲۸- محمد سارونی، ۱۳۶۰/۵/۱۳، تهران

۲۲۹- کریم ساعی، ۱۳۶۰/۵/۵، تبریز، زیر شکنجه، دانشجوی در بیرمنگام (انگلیس) و سپس در ترکیه، مبارز قدیمی

و فعال سیاسی [عکس دارد]

۲۳۰- علیرضا سپاسی آشتیانی، اوایل اسفند ۱۳۶۰، تهران، زیر شکنجه، عضو رهبری مجاهدین م. ل. و عضو

مرکزیت پیکار، دارای دو فرزند [عکس دارد]. یکی از همزندانان می نویسد:

«در کمیتهء مشترک با یکی از رفقا در دو سلول رو به روی هم بودند. می گفت او را به شدت شکنجه کرده

بودند و خیلی از افراد رژیم به سلول اش مراجعه می کردند و گاه او را مخفیانه زیر نظر داشتند. يك شب

که او را به شدت شکنجه کرده بودند به سلول اش آوردند. چند پاسدار او را حمل می کردند. پس از مدت

کوتاهی که او فریاد می زد «نگهبان، نگهبان، دکتر». بعد با صدای بدو بدو و باز و بسته شدن در سلول و

شلوغی غیر عادی فهمیدم جان باخته است». عباس امیر انتظام نیز در یکی از نامه های خود (به جامعهء

حقوق بشر در برلین) شهادت می دهد که سپاسی را زیر شکنجه کشته اند.

۲۳۱- محمد رضا سپهری نژاد، ۱۳۶۱/۱۲/۲۶، شهادت در جریان به آتش کشیده شدن زندان رشت توسط رژیم،

دانشجو، مشت زن تیم ملی بوده

۲۳۱ مکرر- فرخندهء سپهری همراه با شوهرش هادی اهل گیلان که پس از آزادی از زندان در يك حادثهد

کوهنوردی (سرمازدگی) جان سپردند.

۲۳۲- مسعود ستایش، ۱۳۵۹/۲/۱۷، درگیری در کردستان، پیشمرگه

۲۳۳- مینو ستوده پیما، ۱۳۶۰/۱۰/۲۰، رشت، تیرباران، همسر ولی الله رود گریان

۲۳۴- سید هاشم سدیدی ضیابری

۲۳۵- ناصر سرخی، ۱۳۶۰/۵/۱۷، تبریز، تیرباران

۲۳۶- علیرضا سعادت نیاکی (دکتر محسن)، ۱۳۶۰/۶/۲۵، تهران، تیرباران، پزشک در کردستان [عکس دارد]

- ۲۳۷- مهران سعادت نیاکی (تقی)، برادر علیرضا، در مشهد دستگیر شده، قبر او در زندان نوشهر است [عکس دارد]، دانشجوی علوم بیمارستانی
- ۲۳۸- محمد حسین سعادت، ۱۳۶۳/۲/۱۲، شیراز، حلق آویز، قبلاً دانشجوی در آمریکا [شرح حال و عکس دارد]
- ۲۳۹- سید محمود سعادت سلطانی، ۱۳۶۰/۱۰/۸، اراک، تیرباران
- ۲۴۰- غلام سقا، ۱۳۵۹/۸/۱۰، خوزستان، در اثر ترکش خمپاره در جریان جنگ ایران و عراق
- ۲۴۱- فرزانه سلطانی، ۱۳۶۱/۳/۸، اصفهان، تیرباران
- ۲۴۲- غلامحسین سلیم آرونی (نام مستعار عباس)، ۱۳۶۰/۵/۲۴، تهران، تیرباران، عضو کمیته تهران سازمان پیکار، همسر آنا ثابت [در تهران، میدان انقلاب، توسط یکی از آشنایانش که از سازمان اکثریت بود شناسائی و با جار و جنجال به پاسداران تحویل داده شد] رجوع شود به پیکار ۱۲۳
- ۲۴۳- زهرا سلیم ..... تهران، تیرباران، اهل اصفهان، همسر حسین روحانی
- ۲۴۴- سیما سلیم ..... تهران، تیرباران، اهل اصفهان همسر سید جلیل سید احمدیان، [عکس دارد] (زهرا و سیما خواهر بودند)
- ۲۴۵- فرهاد سلیمی، تابستان ۱۳۶۰، تهران، تیرباران
- ۲۴۶- محمود سنجولی، اواخر ۱۳۶۰، زاهدان، تیرباران، دانشجوی دانشسرای عالی زاهدان و از مسؤلین دانشجویی پیکار در بلوچستان
- ۲۴۷- سید جلیل سید احمدیان، پاییز ۱۳۶۰، تهران، تیرباران، مبارز قدیمی و کاندیدای سازمان در انتخابات مجلس شورا از تبریز [عکس دارد]
- ۲۴۸- بهرام شاهوران، آبان ۱۳۵۹، خوزستان در نتیجه اصابت خمپاره در جریان جنگ ایران و عراق
- ۲۴۸ مکرر - بهروز شاهین
- ۲۴۹- محمد رضا شبروهی، ۱۳۶۰/۶/۲۵، تبریز، تیرباران، دانشجو
- ۲۵۰- حمید رضا شجاعی، ۱۳۶۱/۱/۲۸، مشهد، تیرباران
- ۲۵۱- عبدالحمید شجاعی، تابستان ۱۳۶۰، نوشهر، تیرباران [عکس دارد]
- ۲۵۲- عبدالکریم شربت، ۱۳۵۹/۲/۶، درگیری در کردستان، پیشمرگه
- ۲۵۳- مرتضی شرفی، ۱۳۶۱/۹/۲، شیراز، حلق آویز، مهندس
- ۲۵۴- عقیده شرفی ...
- ۲۵۵- احمد رضا شفیع زاده، ۱۳۶۰/۴/۴، تهران، تیرباران
- ۲۵۶- مرتضی شکرالله بیگ تبریزی، سال ۱۳۶۰، دانشجو
- ۲۵۶ مکرر - ... شمس، اهل شمال ایران، در سال ۶۷ که در زندان گوهر دشت اعدام شد مدتی از زمان محکومیت اش می گذشت.
- ۲۵۷- اسماعیل شمش مهر، فروردین ۱۳۶۱، اصفهان، درگیری
- ۲۵۸- زرکار شیخ الاسلامی، ۱۳۶۰/۶/۱۱، درگیری در کردستان، پیشمرگه
- ۲۵۹- نجم الدین شیخی، ۱۳۵۹/۲/۱۱، درگیری در کردستان، پیشمرگه
- ۲۶۰- اسماعیل شیر آلی، ۱۳۶۰/۷/۱، آغاچاری، تیرباران، دانشجو
- ۲۶۰ تکراری - احمد شیرازی
- ۲۶۱- شهره شیرزادی ...
- ۲۶۲- صادق صادقی، ۱۳۶۰/۴/۱۴، تهران
- ۲۶۳- حبیب صادقی، ۱۳۶۰/۶/۱۹، مسجد سلیمان، دانشجو

- ۲۶۴- فریده صادقی بناب (نام مستعار: اعظم)، سال ۱۳۶۰، تبریز، تیرباران
- ۲۶۵- جهاندار صالحی [۳۱ ساله، متولد مسجد سلیمان، لیسانسیه ریاضی. وی در سال ۵۹ دستگیر و به ۵ سال زندان محکوم شده بود که همراه با ۵ نفر دیگر در فروردین ۱۳۶۰ از زندان فرار کرد. در سال ۶۳ مجدداً دستگیر و در تهران اعدام شد]
- ۲۶۶- جهانبخش صالحی (برادر جهاندار)، ۳۴ ساله، زندانی سیاسی زمان شاه، لیسانسیه حقوق، اعدام در بهمن ۶۱، تهران
- ۲۶۷- مسعود صالحی راد، ۱۳/۵/۱۳۵۹، تبریز، دانشجو، همراه با طیب نجم الدینی ترور شد [ر.ک. به پیکار شماره ۶۹] [عکس دارد]
- ۲۶۸- یدالله صارم خانی، ۴/۹/۱۳۶۱، شیراز، تیرباران
- ۲۶۹- احمد صبوری جهرمی، مرداد ۱۳۶۰، شیراز، مهندس
- ۲۷۰- سعید صبوری جهرمی، ۴/۹/۱۳۶۱، شیراز، ... دانش آموز
- ۲۷۱- فرزانه صبوری جهرمی، ۴/۹/۱۳۶۱، شیراز
- ۲۷۲- محمد حسن صحافی (تقی)، سال ۱۳۶۳، تهران، تیرباران، حسابدار در کشتی سازی خلیج فارس
- ۲۷۳- غلامرضا (میرزا) صداقت پناه، اسفند ۱۳۵۹، تهران، در حین انجام وظیفه
- ۲۷۴- عبدالله صرافیون، ۲۴/۵/۱۳۶۰، تهران، تیرباران
- ۲۷۵- رمضان صفاپور، ۲۸/۱/۱۳۶۱، شیروان
- ۲۷۶- انوشیروان صفائی سمنانی، ۴/۹/۱۳۶۰، تهران، تیرباران، دانشجو
- ۲۷۷- فرهاد صفری، لاهیجان، دانش آموز
- ۲۷۸- عزیز صفری، ۱۳/۴/۱۳۶۰، تهران، تیرباران، از «هسته سرخ» هوادار پیکار، کاشان [پیکار ۱۲۲]
- ۲۷۹- اسد صلواتی، ۱۱/۶/۱۳۶۰، درگیری در کردستان، پیشمرگه
- ۲۸۰- فرزانه صمدی، ۱۳/۴/۱۳۶۰، تهران، تیرباران از «هسته سرخ» هوادار پیکار، کاشان [پیکار ۱۲۲]
- ۲۸۱- محمود صمدی، ۱۳/۱۱/۱۳۵۹، اهل آبادان، از مسؤولین تشکیلات دانشجویان مبارز در دانشگاه تهران، دستگیری به جرم تبلیغ علیه جنگ ایران و عراق و پس از چهل روز، تیرباران در ماهشهر [پیکار ۹۵]
- ۲۸۱ مکرر- مسعود صمدی گودرزی از «هسته سرخ» هوادار پیکار، کاشان [پیکار ۱۲۲]
- ۲۸۲- نسرین صمدی، مرداد ۱۳۶۰، تهران، تیرباران، دانشجو
- ۲۸۳- فرومند صمدی، ۷/۶/۱۳۶۰، تهران، تیرباران
- ۲۸۴- محمد علی صمدی (مهدی)، ۲۷/۴/۱۳۶۱، تهران، تیرباران، همکار تحریریه پیکار تئوریک، سابقاً دانشجو در انگلستان
- ۲۸۵- علی ضمیری نخودچری، ۵/۱۰/۱۳۶۰، مشهد، تیرباران، کشاورز
- ۲۸۶- عطا طاطائی، ۲۵/۳/۱۳۵۹، درگیری در کردستان، پیشمرگه
- ۲۸۷- داوود طالبی مقدم (نام مستعار اسد)، زمستان ۱۳۶۰، تهران، زیر شکنجه، مبارز قدیمی و دبیر مرکزیت دال - دال (سازمان دانش آموزان و دانشجویان پیکار)
- ۲۸۸- صمد طاهری، سال ۱۳۶۰، زنجان، تیرباران
- ۲۸۹- لطف الله طاهری (محسن)، تابستان ۱۳۶۰، تهران، تیرباران، اهل کازرون و فعال در بخش محلات سازمان در تهران
- ۲۹۰- طاهره (نام مستعار)، سال ۱۳۶۰، تهران
- ۲۹۱- عزت طبائیان (سیمین)، ۱۷/۱۰/۱۳۶۰، تهران، تیرباران

- ۲۹۲- حسین طخاری، تابستان ۱۳۶۰، تهران، تیرباران
- ۲۹۳- جمپور طهماسبی، تابستان ۱۳۶۰، تهران، تیرباران
- ۲۹۴- پرویز طهماسبی، تابستان ۱۳۶۰، شیراز، تیرباران
- ۲۹۵- محمد طهماسبی زاده راد، ۱۳۵۹/۱۱/۲۲، آمل، از سازمان دانشجویان و دانش آموزان پیکار، ترور توسط  
عمال رژیم
- ۲۹۶- سعید ظروفی، ۱۳۶۰/۳/۱۰، ساری، تیرباران، دانشجوی ۳ ساله دانشکده علوم دانشگاه ملی (رشته فیزیک)
- ۲۹۷- محمد عالیور، مسؤول تشکیلات جنگ زده ها در آبادان، مفقود الاثر (احتمالاً اعدام)
- ۲۹۸- مالک عباسی، مهرماه ۱۳۵۹، اهواز، در اثر ترکش خمپاره در جریان جنگ ایران و عراق [پیکار شماره ۹۷ و  
۱۰۰]
- ۲۹۹- محرم علی عبداللهی، ۱۳۶۰/۶/۱۶، قزوین، تیرباران
- ۳۰۰- شهناز عبداللهی، ۱۳۶۰/۸/۶، اصفهان، تیرباران
- ۳۰۱- فرامرز عدالت فام، ۱۳۶۲/۱/۱۷، تبریز، تیرباران، کارگر
- ۳۰۲- سعید عرب یزدی، ۱۳۶۰/۵/۲۴، تهران، تیرباران
- ۳۰۳- چنگیز عرشی، ۱۳۶۰/۵/۱۲، تهران، تیرباران (عکس دارد) دانشجوی ۲ ساله معدن دانشگاه ملی
- ۳۰۴- علی اکبر عشاق (?)، عضو کمیته تهران سازمان پیکار ...
- ۳۰۵- یدالله عطائی، تابستان ۱۳۶۲، اهواز، زندان کارون
- ۳۰۶- مهدی علوی شوشتری، ۱۳۵۹/۴/۶، اهواز، تیرباران، دانشجو، به جرم تبلیغ علیه «انقلاب فرهنگی» و حمله  
رژیم به دانشگاه ها، [ر.ک. به پیکار ۶۱] [عکس دارد]
- ۳۰۷- حسین علیجائی، ۱۳۶۰/۵/۱۹، اهواز، تیرباران (از مسؤولین تشکیلات مسجد سلیمان)
- ۳۰۸- علی علیدوستی قهفرخی (ابراهیم)، ۱۳۶۰/۴/۱۲، اصفهان، تیرباران، دانش آموز
- ۳۰۸- تکراری - جعفر محمد علی زاد رفیع، کارمند، حدوداً ۴۰ ساله از پیکار که در زندان بوده و در جریان اعدام  
های دستجمعی سال ۶۷ در زندان اوین کشته شده است. وی در ۳ خرداد ۱۳۶۰ در محل کارش، گمرک  
فرودگاه مهرآباد دستگیر شده و به ۱۰ سال زندان محکوم شده بود. در آن زمان دختری خرد سال داشته  
که گاه به ملاقاتش می رفته.
- ۳۰۹- مصطفی علینقی پور، دیپلمه، دستگیری در اوایل بهمن ۶۰ و شهادت در ۱۳۶۰/۱۱/۱۲، در کمیته نوشهر،  
تیرباران ...
- ۳۱۰- علی (معروف به ورزشکار)، سال ۱۳۶۰، تهران، تیرباران
- ۳۱۱- محمد عمیم، مهر ۱۳۶۰، اصفهان، تیرباران، شغل دندانساز
- ۳۱۲- حسین غفاری، ۱۳۶۰/۷/۸، قائم شهر، تیرباران
- ۳۱۳- منصور غفوری ...
- ۳۱۴- بهروز غلامی، ۱۳۶۰/۸/۱۸، تبریز، تیرباران
- ۳۱۵- جواد غم افشان، ۱۳۶۰/۷/۱۳، کرمانشاه، تیرباران
- ۳۱۶- کبری غیاثی، متولد اول فروردین ۱۳۲۸، آبادان، تیرباران در اصفهان ۱۳۶۱/۹/۲۸ (عکس و شرح حال دارد)
- ۳۱۷- محسن فاضل (راشد، سامی) ۱۳۶۰/۳/۳۱، تهران، تیرباران، مبارز قدیمی (ر.ک. به یادداشت های زندان او  
مندرج در کتاب «از آرمانی که می جوشد»). [عکس دارد]
- ۳۱۸- مریم فاطمی ...

- ۳۱۹- ابراهیم فنی (یا فتحی)، ۱۳۶۰/۶/۲، مسجد سلیمان، تیرباران
- ۳۲۰- ناصر فراهانی، مهرماه ۱۳۵۹، شلمچه، در اثر ترکش خمپاره، تکاور (پیکار ۹۹)
- ۳۲۱- نورالله فرجی، تابستان ۱۳۶۰، آمل، تیرباران (۹)
- ۳۲۲- علی فرشیدی (معروف به علی جیک)، ۱۳۶۰/۶/۸
- ۳۲۳- مرتضی فرهمند، ۱۳۶۰/۶/۷
- ۳۲۴- هادی فرهمند پور، ۱۳۶۰/۸/۲۷، سنندج، تیرباران
- ۳۲۵- فریده (بخش موسیقی سازمان)، سال ۱۳۶۱، تهران، تیرباران، دانشجو
- ۳۲۶- حسن فقیر (امیر)، ۱۳۵۹/۲/۱۷، درگیری در کردستان، پیشمرگه
- ۳۲۷- صدیقه فلکرو، ۱۳۶۰/۱۰/۲۰، رشت، تیرباران، دانشجو
- ۳۲۸- محمد علی فولادپور ...
- ۳۲۹- عبدالحمید فیاض، ۱۳۶۰/۵/۲۴، تهران، تیرباران [عکس دارد]
- ۳۳۱- پرویز قاسمی، مرداد ۱۳۶۰، شیراز، تیرباران
- ۳۳۲- داریوش قاسمی، زمستان ۱۳۶۰، شیراز، تیرباران
- ۳۳۳- سیروس قدس، مرداد ۱۳۶۰، تهران، تیرباران
- ۳۳۴- حمید قدیمی، ۱۳۶۷/۶/۹، اوین، در جریان اعدام های دستجمعی زندانیان سیاسی
- ۳۳۵- خیام قربانپور، ۱۳۶۰/۹/۸، تهران، تیرباران، دانشجوی فنی
- ۳۳۶- ابراهیم قربانی ... تیرباران
- ۳۳۷- عادل قربانی ... تیرباران، کارگر کشت و صنعت مغان
- ۳۳۸- قادر قربانی (نام مستعار: رحمان)، زمانی مسؤول بخش محلات تبریز، در جریان دستگیری، در تهران، همراه با فرامرز عدالت فام زخمی می شود
- ۳۳۹- مالک اژدر قصابی سراسکندرودی، تابستان ۱۳۶۰، تبریز، تیرباران
- ۳۴۰- مرتضی قلعه دار، ۱۳۶۲/۹/۸، تهران، تیرباران
- ۳۴۱- علیرضا قمری، ۱۳۶۰/۶/۲۴، تهران، تیرباران، مبارز قدیمی و عضو تشکیلات سازمان در بلوچستان، تکنیسین کارخانه نساچی «بافت بلوچ» در ایرانشهر بود. [عکس دارد]
- ۳۴۱ تکراری - ناصر کاظمی، اهل نورآباد ممسنی (فارس)، دانشجوی رشته حقوق دانشگاه تهران، در سال ۱۳۶۰ دستگیر شد و در زندان عادل آباد شیراز اعدام گردید.
- ۳۴۱ تکراری دوم - اصغر کاویانی، فعال سازمان پیکار در خرمشهر که در سال ۱۳۶۰ در ماهشهر دستگیر و تیرباران شد.
- ۳۴۲- کورش کبیری یونس آبادی، ۱۳۶۰/۶/۲۵، تهران، تیرباران، دانش آموز ۱۶ ساله (خواهر زاده علیرضا زمریدیان)
- ۳۴۳- قدرت کردی، ۱۳۶۰/۷/۳، بروجرد، تیرباران
- ۳۴۴- دارا کریمی، ۱۳۶۰/۹/۴، قائم شهر، تیرباران
- ۳۴۴ مکرر- محمود کریمی. یکی از همزندانان اش می نویسد:
- «[پس از فراز و فرودهایی که در جریان بازجویی پیش آمده بود] او قرار دیگری را که با من داشت گفته بود ولی هنگام آمدن سر قرار، تصادفی درست کرده بود تا فرار کند و پس از زخمی شدن و انتقال به اوین، در حقیقت طرح بازجو نیمه کاره مانده بود و بازجو از این مسأله شدیداً ناراحت بود. هرچند این طرح با ضعفی

که يك نفر ديگر نشان داده بود تکميل شد، ولي محمود در دادگاه از اعتقاداتش دفاع کرد و خود با تمام ناراحتی وجدانی منتظر اعدام بود و شد. امر تکان دهنده ای که در کنار این اعدام رخ داد این است که یکی از برادرهای محمود که به شدت دچار شوک روحی و ناراحتی شده بود، پس از اعدام وی، زن و بچه خود را کشته و بعد خودکشی کرد. مطلب به قدری تکان دهنده بود که روزنامه ها بدون اشاره به زمینه این فاجعه، ماجرا را چاپ کردند».

- ۳۴۵- سيد هاشم کرمی، ۱۳۶۰/۵/۲۴، تهران، تيرباران
- ۳۴۶- يعقوب کسب پرست، ۱۳۶۰/۵/۷، تيرباران، از کارگران با سابقه و نماينده کارگران بيکار در تبريز
- ۳۴۷- جاويد کمانکش، ۱۳۶۰/۷/۲۹، بروجرد، تيرباران
- ۳۴۸- رحيم کمری، ۱۳۶۰/۸/۱۸، ... تيرباران، دانشجو
- ۳۴۹- محسن کهريزی، ۱۳۶۰/۵/۱۳، تهران، تيرباران (اهل آبادان)
- ۳۵۰- مجيد کیانی، ۱۳۶۰/۶/۷، تهران، تيرباران
- ۳۵۱- غلامرضا گلچين، ۱۳۶۰/۷/۵، تبريز، تيرباران
- ۳۵۲- قاسم گلشن (شاهرخ)، ۱۳۶۰/۴/۱، تهران، تيرباران، با اینکه در جريان فرار از دست پاسداران پايش شکسته بوده روحیه ای بسيار خوب داشته و از استعداد هنری و مجسمه سازی خود برای تقويت و روحیه خود و ديگر زندانیان استفاده می کرده است.
- ۳۵۳- قربانعلی گوجانی، سال ۱۳۶۲، آغاچاری، تيرباران، دبیر
- ۳۵۴- مهدی گودرزی، ۱۳۶۰/۴/۱۴
- ۳۵۴ مکرر- مرتضی لقائی
- ۳۵۵- فخری لك کمری [کمره ای؟]، ديماه ۱۳۶۰، تهران، تيرباران، ديپلمه، در هنگام اعدام حامله بوده، همسر علی اکبر عشاق
- ۳۵۶- حسين ماجدی، ۱۳۶۰/۳/۲۶، مشهد، تيرباران
- ۳۵۷- آزاده ماشين چی، بهمن ۱۳۶۱، تيرباران، دانشجو
- ۳۵۸- مجتبی ... تابستان ۱۳۶۱، تهران، تيرباران
- ۳۵۹- احمد مؤذن، ۱۳۵۹/۲/۱۲، اهواز، تيرباران به جرم تبليغ عليه «انقلاب فرهنگی» و حمله رژيم به دانشگاهها
- ۳۶۰- هوشنگ محب پور، ۱۳۶۱/۹/۴، شیراز، تيرباران [عکس دارد]
- ۳۶۱- محمد محبوبیان، شهريور ۱۳۶۰، تهران، تيرباران
- ۳۶۲- بهمن محسنی تبریزی، ۱۳۶۰/۱۰/۱۰، شوشتر، تيرباران، ليسانسيه
- ۳۶۳- محمد تقی ... ، ۱۳۶۲/۱/۲۰، تبريز
- ۳۶۴- حيدر محمدی، ۱۳۶۰/۷/۶، بوشهر، تيرباران
- ۳۶۵- مرتضی محمدی محب، ۱۳۶۰/۶/۱۱، تهران
- ۳۶۶- چراغ محمدی، ۱۳۶۰/۶/۲۹، ايرانشهر، تيرباران، دبیر
- ۳۶۷- علی اکبر محمد حسين پور، ۱۳۶۱/۹/۴، زندان عادل آباد شیراز، تيرباران (اهل «درواهی» از توابع برازجان و دبیر دبیرستان ها)
- ۳۶۸- محمود (نام مستعار) ... ، تبريز، تيرباران، دانشجو
- ۳۶۹- بهمن محمودی (ناصر)، ۱۳۶۲/۱/۲۹، تيرباران،
- ۳۷۰- مرتضی محمودی (برادر بهمن) مرداد ۱۳۶۳، تهران، تيرباران (هر دو از دانشجويان فعال در کنفدراسيون در آمریکا) ...

- ۳۷۱- علی اکبر محمودی، ۱۳۶۰/۵/۲۶ مشهد، تیرباران
- ۳۷۲- جهانگیر محمودی، اسفند ۱۳۶۰، تبریز، تیرباران
- ۳۷۳- ...
- ۳۷۴- مهرانگیز (سوسن) محمودیان، ۱۳۶۱/۹/۴، شیراز، تیرباران
- ۳۷۵- مهناز (نسرین) محمودیان
- ۳۷۶- حمید مدبر، سال ۱۳۶۰، تهران، مهندس، اهل شیراز
- ۳۷۷- علیرضا مدنی، ۱۳۶۰/۱۰/۱۱، اراک، تیرباران، دانش آموز
- ۳۷۸- کورش مرادی، ۱۳۶۱/۹/۴، شیراز، حلق آویز
- ۳۷۹- لیلا مرادی، ۱۳۵۹/۳/۲۲، کردستان، تیرباران
- ۳۸۰- محمود مسعودی، تیرماه ۱۳۵۹، یاسوج در حین انجام وظیفه
- ۳۸۰- تکراری - محمد رضا مصطفوی، در بازداشتگاه مشهد بوده، معلم بود و اهل سبزوار. نخستین فرزندش بعد از اعدام او به دنیا آمد. ظاهراً مسؤول چاپ سازمان در مشهد بوده. مورد شکنجه واقع شد و مقاومت کرد. در اوایل ۱۳۶۱ در مشهد تیرباران شد.
- ۳۸۱- عزیز مشیری، مرداد ۱۳۶۰....
- ۳۸۲- احمد [جزء] مطلبی، سال ۱۳۶۱، زنجان، تیرباران
- ۳۸۳- مهناز معتمدی، ۱۳۵۹/۲/۴، اهواز، تیرباران به جرم تبلیغ علیه «انقلاب فرهنگی» و حمله رژییم به دانشگاه ها، کارمند شرکت نفت
- ۳۸۴- سعدی معدنار دیپلمه، دستگیری در اوایل بهمن ۱۳۶۰، شهادت در ۱۳۶۰/۱۱/۱۲. او را در مقر کمیته نوشهر زنده به گور کردند ...
- ۳۸۵- جعفر مقامی، ارتشی بوده و در سال ۱۳۶۷ در جریان اعدام های دستجمعی اعدام شده است.
- ۳۸۶- غلامرضا مکنونی، ۱۳۶۰/۹/۷، گچساران، تیرباران
- ۳۸۷- حسین مکی، مرداد ۱۳۶۰، تبریز
- ۳۸۸- لطیفه مکی، .....، دانشجو
- ۳۸۹- حجت الله ملک، ۱۳۶۰/۴/۲۱، اراک، همراه با ۱۱ رفیق دیگر که مشخصاتشان بر ما معلوم نیست
- ۳۹۰- فیروزه ملک التجاری، ۱۳۶۰/۵/۷، تبریز، تیرباران، دانشجو
- ۳۹۱- بهجت ملک محمدی، ۱۳۶۰/۵/۷، تبریز، تیرباران، لیسانسیه، بخش چاپ سازمان در تبریز
- ۳۹۲- حسن منصوری، ۱۳۶۰/۵/۱۹، تبریز، تیرباران، دانشجو در ارومیه
- ۳۹۳- حسن منصوری، ۱۳۶۱/۵/۲۹، ارومیه، تیرباران ... (؟)
- ۳۹۴- وازگن منصوریان، ۱۳۶۲/۵/۲، تهران، تیرباران
- ۳۹۵- فریده منفرد زاده ...
- ۳۹۶- فرخنده مؤمنی، ۱۳۶۱/۷/۲۶، بندر عباس، تیرباران
- ۳۹۷- اسماعیل موسائی، سال ۱۳۶۷، در جریان موج اعدام های دستجمعی زندانیان سیاسی
- ۳۹۷ مکرر - اصغر موسوی (نام مستعار) سال ۱۳۶۷ اعدام در گوهر دشت، از خانواده کارگری، پدرش کارگر شرکت نفت بوده
- ۳۹۸- نعمت الله مهاجرین، ۱۳۶۰/۶/۱۸، تبریز، تیرباران
- ۳۹۹- فرهاد مهدیون، شهریور ۱۳۶۷، گوهر دشت، در جریان موج اعدام های دستجمعی زندانیان سیاسی [عکس دارد]

- ۴۰۰- بهجت مهرآبادی (اعظم)، اسفند ۱۳۶۰، تهران، تیرباران، مبارز قدیمی [عکس دارد]
- ۴۰۱- آذر مهرعلیان، ۱۳۶۰/۱/۳۱، تهران، دانش آموز، شهادت در اثر پرتاب نارنجک به صف راهپیمائی سازمان پیکار که در اعتراض به «انقلاب فرهنگی» و حمله رژیم به دانشگاه ها برپا شده بود [عکس دارد]
- ۴۰۲- علی مهماندوست، سال ۱۳۶۰، آبادان، تیرباران، کارمند فنی شرکت نفت
- ۴۰۳- مینا (نام مستعار)، سال ۱۳۶۰، تبریز، تیرباران، دانشجو
- ۴۰۴- حسین میرفتاح کوهکی، ۱۳۶۲/۵/۱۲، آمل، تیرباران
- ۴۰۵- زهرا (طاهره) میراحسان، ۱۳۶۰/۱۰/۲۰، رشت، تیرباران، دانشجو
- ۴۰۶- زهره میرشکاری، سال ۱۳۶۲، از مسؤلین سازمان دانشجویان و دانش آموزان پیکار در کرج ...
- ۴۰۷- کاظم نادری، ۱۳۶۰/۵/۲۳
- ۴۰۸- نادر (نام مستعار) از رفقای آبادان، در شیراز هنگام پخش اعلامیه کشته شده است (؟)
- ۴۰۹- جمیله ناصری، ۱۳۶۰/۶/۱۰، اهواز، تیرباران
- ۴۱۰- داریوش ناصری، دی ماه ۱۳۶۰ ... مهندس
- ۴۱۱- عطا ناظم رضوی، ۱۳۶۰/۴/۱۴، تهران، تیرباران، دبیر در کاشان، از «هسته سرخ» هوادار پیکار در کاشان [عکس دارد]
- ۴۱۲- عطیه ناظم رضوی [عطا و عطیه خواهر بودند و همزندان (؟) از سرنوشت عطیه خبری نداریم]
- ۴۱۳- ناصر نجف زاده، پاییز ۱۳۶۰، تبریز، دانشجو
- ۴۱۴- فریبرز نجفی شبانکاره، زمستان ۱۳۶۲، شیراز، تیرباران، مهندس
- ۴۱۵- طیب نجم الدینی، ۱۳۵۹/۵/۱۳، تبریز، همراه با مسعود صالحی راد، توسط عمال رژیم ترور شد، دانشجو [عکس دارد]
- ۴۱۶- کامبیز نصرت، سال ۱۳۶۳، اهواز، تیرباران [عکس دارد]
- ۴۱۷- محمد رضا نصیری، سال ۱۳۶۲، تهران، تیرباران، از کمیته شمال سازمان پیکار، پزشک (انترن)
- ۴۱۸- حسن نظری، تابستان ۱۳۶۰، بندر عباس، تیرباران، دانش آموز
- ۴۱۹- یوسف نظری، ۱۳۶۰/۷/۱۷، بندر عباس،
- ۴۲۰- منوچهر نظریان ... تبریز
- ۴۲۱- صابر نعلی، فعال در مهاباد )
- ۴۲۲- سید رضا نعمتی
- ۴۲۳- فرخنده نعیمی، سال ۱۳۶۱، بندر عباس، حلق آویز
- ۴۲۴- خالق نقدیان، ۱۳۶۰/۵/۱۳، تهران، تیرباران، پیشمرگه
- ۴۲۵- مجید نگهداری، ۱۳۶۰/۴/۳۱، فعال در بخش انتشارات سازمان
- ۴۲۶- محمد (کوچک آقا) نمازی، ۱۳۶۲/۶/۹، تهران، تیرباران، از مسؤلین مرکزی سازمان [عکس دارد]
- ۴۲۷- امیر نمازی زادگان، ۱۳۶۰/۶/۲۰، کرمان، تیرباران
- ۴۲۸- حسین نورائی، ۱۳۵۹/۸/۷، خوزستان، در اثر ترکش خمپاره در جریان جنگ ایران و عراق، قبلاً دانشجو در سوئد
- ۴۲۹- محمد نورائی ...
- ۴۳۰- حمید ندروند، ۱۳۶۰/۶/۱۸، تبریز، تیرباران
- ۴۳۱- علی نیر، ۱۳۶۰/۶/۱۱، تهران، تیرباران



- ۴۳۲- شهناز نیری ...
- ۴۳۳- حسین نیستانی، ۱۳۶۱/۳/۸، اصفهان، اعدام، دانش آموز
- ۴۳۴- عبدالکریم نسیمی (نیسی؟)، ۱۳۶۱/۳/۸، اصفهان، تیرباران، دبیر
- ۴۳۵- منوچهر نیک اندام، ۱۳۵۹/۸/۳، آغاچاری، به جرم تبلیغ علیه جنگ ایران و عراق در سال ۱۳۵۹ به دستور خلخالی تیرباران شد.
- ۴۳۶- محمد نیک اندام، برادر منوچهر نیک اندام که در زندان دستگرد اصفهان در سال ۱۳۶۲ تیرباران شد.
- ۴۳۷- داریوش نیکوبین، ۱۳۶۰/۵/۱۳، تهران، تیرباران
- ۴۳۸- امیر واعظی، ۱۳۶۰/۱۰/۱۸، اراک، تیرباران، دانش آموز
- ۴۳۹- حسن ولی پور، تابستان ۱۳۶۰، شیراز، تیرباران
- ۴۴۰- محمد ولیدی، ۱۳۶۰/۵/۱۳، تهران، تیرباران، پیشمرگه
- ۴۴۰- مکرر- ناصر هادی پور، دانشجوی سال ۳ فلسفه دانشگاه ملی، اهل بوشهر، اعدام در زاهدان
- ۴۴۱- سید قاسم هاشمی شیرازی، ۱۳۶۱/۸/۳۰، بندر عباس، تیرباران
- ۴۴۲- بیژن (بابک) هدائی، ۱۳۶۰/۹/۸، تهران، تیرباران، عضو مرکزی سازمان دانشجویان و دانش آموزان پیکار
- ۴۴۳- منیژه (سودابه) هدائی، اسفند ۱۳۶۰، تهران، تیرباران، عضو مرکزی سازمان دانشجویان و دانش آموزان پیکار، همسر مسعود (جلیل) جیگاره ای [عکس دارد]
- ۴۴۴- محمد علی همایون نژاد، ۱۳۶۰/۶/۱۲، تهران، تیرباران، حقوقدان
- ۴۴۵- نادر همرنگ، از هواداران پیکار در زنجان که به سه سال زندان محکوم شده بود و پس از آزادی به علت فشارهای گوناگون پلیسی و عدم پشتیبانی روانی خانوادگی، به نوعی اختلال و عدم تعادل روانی گرفتار شده بود و در سال ۱۳۷۱ با خود سوزی به زندگیش پایان داد.
- ۴۴۵- مکرر- محمود هنری، اهل زاهدان، در سال ۱۳۶۵ در اوین بوده و بسیار شکنجه شده بوده در اواخر همین سال اعدام شده است.
- ۴۴۶- حسین هوشیاری، ۱۳۶۰/۷/۳، بروجرد، تیرباران
- ۴۴۷- حسین هوشیاری، ۱۳۶۰/۶/۲۶، تهران، تیرباران
- ۴۴۸- داریوش یزدان یار، از کرج بوده، در ۱۴ بهمن ۱۳۶۰ اعدام شده، شرح حال و عکس دارد
- ۴۴۹- باقر یزدانی، ۱۳۶۰/۶/۵
- ۴۵۰- مهدی یگانه نودهی، ۱۳۶۰/۱۲/۱۰، مشهد، تیرباران
- ۴۵۱- شهره یلفانی، ۱۳۶۰/۹/۲، تهران، تیرباران، دانشجوی مهندسی شیمی [عکس دارد]

## نکته ای گفتنی و شایان فکر و بحث

در لیستی که سابقاً منتشر شده و نیز در این لیست نام حسین احمدی روحانی و قاسم عابدینی، همچنین در لیست شهدای بخش منشعب نام وحید افراخته نیامده است.

در اینجا ضروری ست دست کم در چند سطر تأکید کنیم که این ها در تمام عمر خویش، تا آنجا که اختیار کار خود را داشتند آگاهانه راه مبارزه ای دشوار را در پیش گرفتند و از خود کیفیت های بالایی نشان دادند و در سطح جنبش انقلابی زمانه خویش مسؤولیت های پرخطری را بر عهده گرفتند. اما وقتی در شکنجه گاه های رژیم چه به خاطر اطلاعات ویژه تشکیلاتی شان و چه به منظور خرد کردن اراده آن ها و بی اعتبار کردن مخالفین و ایجاد نومیدی در دیگران، در معرض فشارهای سخت قرار گرفتند و به ماشین جهنمی «تواب سازی» سپرده شدند، به دلایلی که کیفیت آن را هیچکسی نمی تواند به درستی تعیین کند به ضعف و تسلیم افتادند. دشمن شخصیت آن ها را با شکنجه های وحشیانه خرد کرد و آنان را به موم در دست خویش تبدیل کرد و آنچه را که خود می خواست بگوید از زبان آن ها درآورد.

اما با وجود این، آن ها مثل شمار فراوانی از مبارزان از جریان ها و تشکل های مختلف که زیر شکنجه مقاومتی محدود و شکننده داشته اند، اطلاعاتی را از رژیم دریغ کردند و آنجا که اراده و اختیاری برایشان باقی مانده بود توانستند راه سازش با رژیم را نپیمایند و به همین دلیل علیرغم «سازش و توبه» اجباری، رژیم بدانان اعتماد نکرد و آن ها را به جوخه اعدام سپرد.

جنبش انقلابی دموکراتیک و کمونیستی که اصل راهنمای خود را قاطعیت و عدم سازش با دشمن تا پای جان قرار داده و غالباً با مقاومت های حماسی این موضع گیری را در عمل نشان داده است طی تجربه سالیان دریافته است که مبارزه اجتماعی و سیاسی:

۱- مبارزه ای ست اساساً طبقاتی و نه فردی،

۲- مقاومت فرد در برابر شکنجه بالاخره محدود است و بنا بر این، انتظار مقاومت مطلق امری ست غیر

علمی،

۳- ملامت و خشم و محکومیت در درجه اول باید متوجه طبقه و مناسبات حاکم باشد و در درجه بعد فرد قربانی. از سوی دیگر، متأسفانه روال کار اینگونه بوده که جانی را فراموش و قربانی را یکسره محکوم می کنند. خوشبختانه تجربه سالهای اخیر در این مورد درس های زیادی به همگان آموخته و مطلق نگری را عقب زده است.

۴- چه معنا می دهد که ضعف یک مسؤول یا کادر سازمانی در برابر شکنجه موجب یأس و شکستن دیگران شود؟ چنین حالتی نشانه ضعف شدید در کل جنبش است. چه کسی معتقد است که ورود خود او به مبارزه به خاطر آن مسؤول یا کادر بوده است؟ بنا بر این، ضعف و تسلیم یک مسؤول چه در زیر شکنجه و چه بدون آن هرگز نباید پوششی برای ضعف عضوی عادی شود.

۵- باید بر اصل همیشگی مقاومت در زیر انواع شکنجه پای فشرد و به ویژه آن را در موقعیت های سخت به یاد داشت؛ ولی محدودیت مقاومت مبارزان را نیز که به هر حال موجوداتی از گوشت و پوست اند فراموش نکرد. جایگاه چنین افراد را تا آنجا که آگاهانه کار کرده اند محترم شمرد و از این درک مذهبی برحذر بود که گویا رفتاری که فرد در آخرین لحظات زندگی دارد تعیین کننده ارزش سیر مبارزه سراسر عمر او ست.

۶- باید از کلیه وسایل ممکن برای ممنوعیت شکنجه و اعدام در اشکال بی شمار جسمی و روحی و فردی و جمعی آن و حمایت از حقوق و حیثیت انسانی فرد زندانی مبارزه کرد ولی در عین حال باید در نظر داشت که در مبارزه طبقاتی، طبقات حاکم از هیچ وسیله ای برای اعمال سلطه استثمارگرانه و سرکوبگرانه خود دریغ نخواهند کرد، اما هرچه دست آن ها بسته تر، بهتر. شکی نباید داشت که مبارزه برای حقوق بشر (به معنایی که امروزه از

آن می فهمند) هرچند مثبت است، ولی جای مبارزه طبقاتی را نمی گیرد.

\*\*\*

## از بین نامه ها:

در باره این نکته اخیر یادداشت ها و برخوردهای متعددی به ما رسید. تنها يك نفر در دو سه جمله کوتاه به تندی از ما انتقاد کرد که چرا از «خائنین» نام برده ایم. اما برخوردهای دیگر عموماً از نوع مطلب زیر بود که یکی از دوستان برای ما فرستاده است:

### «در مورد توضیح آخر لیست شهدای پیکار مربوط به «توابین» :

جریان «توبه» و «توابین» به ویژه در زندان های جمهوری اسلامی پیچیده است. حتی تعیین مرز توبه و تواب نیز مشکل است. عده ای بودند در زندان ها که مقدار کمی اطلاع دادند و همینجا توقف کردند. اما کسانی هم کمی بیشتر و کمی بیشتر و یواش یواش ادامه دادند. این ها واقعاً مرزهای ظریفی بود که عده ای از آن مرزها خیلی فراتر رفتند، بدون اینکه از عاقبت کارشان خبر داشته باشند و به آن اندیشیده باشند. این هم ممکن است که محاسباتشان اشتباه از آب درآمد باشد. در هر صورت عده ای پس از مدتی خودشان را در صف مقابل یافتند و در این کار متأسفانه جلو رفتند.

من فکر می کنم درست این است که ما آن دستگاه و آن سیستم جهنمی ای را لعن و نفرین کنیم که آن ها را تغییر داد و وارونه کرد و از آن ها آدم های دیگری ساخت که بازشناختن شان مشکل و یا غیر ممکن باشد. بنا بر این پیشنهاد می کنم وابستگی و مقام و موقعیت افراد را پیش از مچاله شدن شان، و پیش از آن که آن ها را در این کارخانه دگرگون سازی لعنتی بیندازند مبنا قرار دهیم و نه پس از آن.

در سال های اولیه دهه ۱۳۶۰ متأسفانه خلاف این امر انجام شد. ما با این کارمان سازندگان، برنامه ریزان و گردانندگان این کارخانه دگرگون سازی را از زیر ضرب خارج کردیم و در عوض فرآورده ها و قربانیان این کارخانه لعنتی را زیر ضرب گرفتیم. بنا بر این ما نادانسته و ناخواسته پروژه مسخ شخصیت رفقای سابق خودمان را تکمیل کردیم. گردانندگان کارخانه که متوجه شدند ما در تله افتاده ایم، به «تولیداتشان» ادامه دادند و بدینسان ما، در بدنام کردن و بی اعتبار کردن خودمان شریک شدیم.

ما نیز باید همانند «دوم خردادی های» امروز (دیروز بعضی از همین ها طراح و مجری پروژه مسخ آدم های مبارز بودند) که در ارتباط با دستگیری افرادشان اعلام می کنند هیچ اعترافی در زندان اعتبار ندارد، موضع می گرفتیم. با نظرداشت توضیحات بالا من پیشنهاد می کنم اسم و مشخصات و جایگاه تشکیلاتی همه افراد وابسته به سازمان پیکار بر مبنای حروف الفبا قرار گیرد. در مورد افرادی که «تواب» بودن و یا همکاری شان کاملاً محرز است (و مبتنی بر حدسیات و احساسات نیست) جلوی اسمشان و در داخل پرانتز توضیح داده شود که مثلاً بر مبنای فلان اطلاعات، نامبرده در داخل زندان چنین و چنان بوده و یا بهمان کار و فعالیت داشته است. سپس با گذاشتن يك علامت (\*) خواننده را به توضیح مفصل تری در پایان صفحه مربوط به پدیده «تواب» و «تواب سازی» و یا «کارخانه دگرگون سازی» که من به کار برده ام، ارجاع داد. در مورد افرادی که فقط شایعاتی مبنی بر «تواب» بودنشان وجود دارد، بهتر است چیز خاصی نوشته نشود تا آن زمان که اطلاعات بیشتر و موثقی به دست آید. حتی اگر يك «تواب» را «تواب» نویسیم، بهتر از آن است که يك «غیر تواب» را «تواب» اعلام کنیم. یادمان نرود که این آدم ها کشته شده اند و در میان ما نمی باشند تا از خودشان دفاع کنند و بگویند که این حرف ها و کارها را نه از روی اختیار، بلکه به اجبار انجام داده اند و بنا بر این به این گفته ها و یا اعمال هیچ اعتقادی ندارند. هیچ هم نباید از هیاهوی این و آن ترسید و در حق کشته شدگان ظلم کرد.